

توافق جمهوری اسلامی، پاکستان و شورشیان افغان

هفته گذشته به دنبال سفر ملی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران به پاکستان، اجلاس مشترکی با شرکت وزرای خارجه ایران، پاکستان و سران گروه شورشی افغانی مستقر در پاکستان و ایران برپا شد. در پایان این اجلاس بیانیه مشترکی صادر شد و در آن شرکت کنندگان، با طرح سازمان ملل برای

افغانستان به مثابه مبنایی برای پایان دادن به جنگ داخلی در این کشور موافقت کردند. بیانیه در عین حال تاکید کرده برخی نکات در طرح سازمان ملل هنوز باید روشن شود تا این طرح بتواند به مبنایی برای صلح پایدار تبدیل گردد.

ایران، پاکستان و شورشیان بقیه در صفحه ۳

یک سال از اشغال نظامی کویت توسط عراق گذشت

جنگ خلیج هنوز قربانی می گیرد



یک سال پیش در سحرگاه دوم اوگوست سربازان عراقی، مجوز به توپ، تانک و هواپیماهای نظامی، کشور همسایه خود کویت را اشغال کردند. شش ماه بعد عراق توسط نیروهای آمریکایی و متحدینش بمباران، ویران و از کویت بیرون رانده شد. جنگ خلیج هزاران انسان را به کام مرگ فرورد و از هواقت آن سیاره ما بیش از پیش آسیب دید.

صدام حسین جنگ خلیج را "مادر همه نبردها" نام نهاد. اهداف برتری جوانه و پان هریستی او سبب کشته شدن ۱۵۰۰۰۰ انسان عراقی شد. متحدین به سرکردگی آمریکا نیز ۵۰۰ نفر تلفات دادند. چرخ بوش رئیس جمهور آمریکا جنگ خلیج را بهانه ای برای اعلام نظم نوین به سرکردگی آمریکا قرار داد.

تحریکات توپخانه گرانه جمهوری اسلامی در مورد مساله کشمیر

محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در جریان سفر به پاکستان از مناطق متشنج شمال شرقی این کشور نیز دیدار کرد. این منطقه در جریان نخستین جنگ پاکستان و هندوستان و با تجزیه کشمیر به پاکستان ملحق گردید. مقامات پاکستانی این منطقه را کشمیر آزاد می نامند. تجزیه کشمیر مستمسک دایمی نیروهای تشنج طلب بوده است تا اوضاع را در شبه قاره هند بحرانی نگهدارند. سفر رضایی به پاکستان نیز در همین جهت بود. وی هم صدا با مقامات نظامی پاکستان این منطقه را کشمیر آزاد نامید و در اقدامی تحریک آمیز، از نوار مرزی هندوستان بازدید به عمل آورد. اظهارات وی در جریان

این دیدار، تحریک آشکار و مداخله جویی در امور کشور هندوستان بود. رضایی در این سخنان از راه حل نظامی برای مساله کشمیر جانبداری کرد در پی سفر رضایی و اظهارات وی، رسانه ها و محافل سیاسی منطقه احتمال مداخله نظامی جمهوری اسلامی به سو پاکستان در مناقشات میان این کشور و هندوستان را قریب الوقوع خواندند. قوت یافتن این احتمال باعث شد تا سخنگوی وزارت خارجه پاکستان طی مصاحبه ای مطبوعاتی، اعلام کند که حمایت جمهوری اسلامی از پاکستان بر سر مساله کشمیر تنها حمایتی سیاسی است. محسن رضایی نیز بقیه در صفحه ۳

دیدار بوش از شوروی

قرار داد استارت توسط رئیس جمهور امضا شد

بخشیدند، در این ملاقات همچنین قرار گذاشته شد که برای ماه اکتبر، کنفرانس صلح خاور میانه تحت ریاست مشترک آمریکا و شوروی فراخوانده شود. بوش در مسکو گفت: "به گمان ما یک فرصت تاریخی برای آغاز روندی وجود دارد که بقیه در صفحه ۸

هفته گذشته جرج بوش رئیس جمهور آمریکا دیداری از شوروی به عمل آورد. طی این دیدار، بوش و گارباچف رئیس جمهوری شوروی با امضای قرار داد استارت پیرامون محدود کردن سلاح های استراتژیک، به توافق دو کشور درباره کاهش سی درصدی سلاح های دوربرد اتمی قطعیت

کد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱ مردادماه ۱۳۷۰
۱۷ اوگوست ۱۹۹۱، دوره سوم، شماره ۱۷

تظاهرات دلیرانه مردم تهران و اصفهان علیه خانه خرابی و بیداد در حکومت اسلامی

★ در تهران هزاران نفر به خاطر تخریب آلودگهایشان با مامورین رژیم درگیر شدند

★ تظاهرات اصفهان به دنبال تشدید فشار در روزهای اخیر علیه "بد حجابی" به وقوع پیوست

مجروح شدند. دست کم یک مورد از زخمی شدن کودک ۱۰ ساله ای بنام قربانعلی حسینی با گلوله مامورین رژیم گزارش شده است. همزمان با تشدید تظاهرات نیروهای سرکوبگر منطقه را به محاصره درآوردند و در حالیکه لحظه به لحظه بر تعداد آنان افزوده می شد، موفق شدند پس از ۴ ساعت تظاهرات را پراکنده سازند. گفته می شود که در جریان تظاهرات و روزهای بعد از آن گروهی از مردم دستگیر شده اند، اما تعداد دستگیر شدگان نامشخص است.

بقیه در صفحه ۲

سر هم کرده بودند، دفاع می کردند در برابر یورش نیروهای انتظامی عقب نشستند. در جریان این تظاهرات، ماشین ها و وسایلی که ماموران به قصد تخریب آلودگها آورده بودند و همچنین تعدادی از خودروهای نیروهای انتظامی مورد حمله قرار گرفت. بنا به گزارش های دریافتی ۱۳ تا ۱۶ دستگاه از خودروها و ماشین های شهرداری و انتظامی توسط مردم به آتش کشیده شد. در جریان این تظاهرات تعداد زیادی از مردم از جمله کودکان و زنان و همچنین گروهی از نیروهای دولتی

ویرانی آلودگهای ساخته شده از چوب و حلبی و پلاستیک توسط مردم برآمدند. اقدام مامورین دولت با مخالفت و مقاومت مردم این منطقه فقیرنشین مواجه شد. تلاش مامورین رژیم برای خراب کردن آلودگها و مقاومت مردم به سرعت به درگیری و تظاهراتی طول انجامید و هزاران تن در آن شرکت کردند. ماموران سرکوبگر رژیم برای مقابله با مردم به استفاده از سلاح متوسل شدند و به تیراندازی هوایی اقدام کردند. اما مردم خشمگین که از سرپناه هایی که با هزاران مشت

تظاهرات دلیرانه مردم تهران و اصفهان علیه خانه خرابی و بیداد در حکومت اسلامی در تهران هزاران نفر به خاطر جلوگیری از تخریب آلودگهایشان با ماموران رژیم درگیر شدند. تظاهرات اصفهان به دنبال تشدید فشار در روزهای اخیر "بد حجابی" به وقوع پیوست.

ایران در روزهای اخیر صحنه تظاهرات بزرگ مردم تهران و اصفهان و چندین درگیری و اعتراض دیگر در مخالفت با سیاست های حکومت و شرایط غیرقابل تحمل زندگی در جهمم جمهوری اسلامی بود.

تظاهرات در باقرآباد تهران.

بنا به گزارشات رسیده محله باقرآباد جنوب تهران، روز دوشنبه هفته گذشته شاهد درگیری ۴ ساعته مردم با مامورین انتظامی بود. تظاهرات و درگیری زمانی آغاز گردید که ماموران شهرداری با حمایت نیروهای سرکوبگر رژیم به محله باقرآباد واقع در حومه جنوب تهران یورش برده و در صدد

آتش سوزی بزرگ در بازار تهران

بسیاری از مردم آتش سوزیها را به اختلافات درونی رژیم مربوط می دانند

ساعات کار بازار تهران اتفاق افتاد. این حریق که یکی از بزرگترین آتش سوزی سال های اخیر بود، به مدت ۷ ساعت ادامه

بقیه در صفحه ۲

بازار تهران به فاصله ۳ روز دوباره دستخوش آتش سوزی های عظیم گردید. نخستین آتش سوزی روز دوشنبه گذشته و در پرفرت و آمدترین

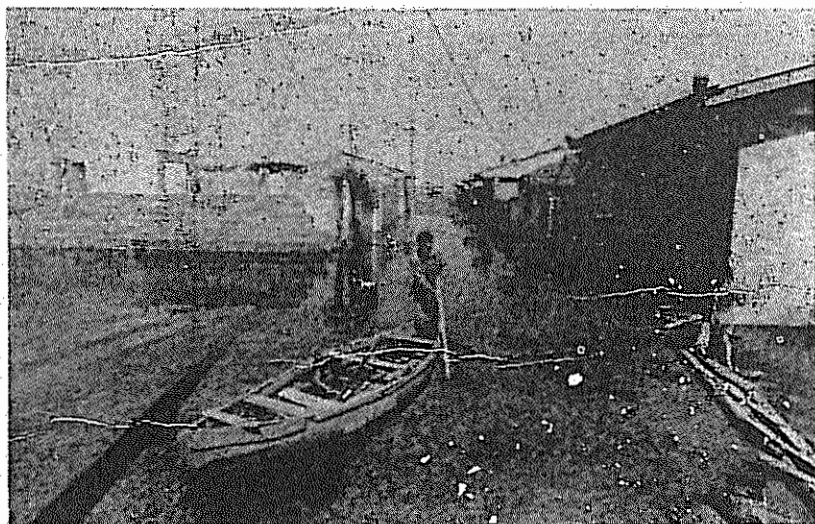
پیشروی دوباره آب دریای خزر

تنها در منطقه انزلی ۱۵۳۰ خانوار به خاطر پیشروی آب بی خانمان شده و به مناطق دیگری منتقل گردیده اند. در منطقه ساحلی ترکمن صحرا روستاهای صیدآباد، چاپاغلی، آشوراده، اسکله و قره سو ویران شده اند

بقیه در صفحه ۳

آب دریای خزر، زرگر مهان و وزرات کشور اعلام داشته است که بنای تاسیسات مسکونی، تجاری، تفریحی و خدماتی در حاشیه ساحلی به مدت یک سال با محدودیت هایی همراه شده است. معاون وزارت کشور هم چنین خاطر نشان ساخت که

پیشروی آب دریای خزر که در روزهای پایانی تیرماه متوقف شده بود، یکبار دیگر از سر گرفته شد. مطابق اخبار واصله در سرتاسر کناره گیلان و مازندران بار دیگر امواج پیشرونده دریا به تاسیسات مناطق ساحلی یورش آورده اند. با افزایش فوق العاده



درب برخی از خیابان های شهرهای ساحلی، قایق وسیله آمد و رفت شده است.

نخست وزیر ایتالیا ماه آینده به ایران سفر می کند

جولیو اندره نوتی نخست وزیر ایتالیا در ماه آینده از تهران دیدن خواهد کرد. سفر اندره نوتی نخستین سفر رهبر یک کشور عضو بازار مشترک به ایران در ۱۳ سال اخیر خواهد بود. پیش از این، خبر سفر فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه و مملوت کهل صدراعظم آلمان به ایران در سال جاری اعلام شده بود. ولی تاکنون برای دیدار رهبران این دو کشور از ایران تاریخ مشخصی تعیین نشده است.

همزمان با سفر نخست وزیر ایتالیا، در تهران کمیسیون مشترک اقتصادی ایتالیا و ایران اجلاس خواهد داشت. در سال های اخیر ایتالیا یکی از طرف های همده تجاری ایران بوده است. به گزارش موسسه مرکزی آمار ایتالیا، حجم مبادلات بازرگانی ایران و ایتالیا طی ۵ ماهه اول سال جاری میلادی هم چنان رو به توسعه بوده است. طی این مدت واردات ایتالیا از ایران ۶۶/۷ و صادرات به ایران ۵۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته و به حدود ۱/۲۳ میلیارد دلار رسیده است.

دولت ایتالیا برای حفظ موقعیت خویش در مناسبات اقتصادی با ایران تاکنون هیچ توجهی به نقض حقوق بشر و نفی موازین شناخته شده بین المللی توسط جمهوری اسلامی ایران نشان نداده است.

بقیه در صفحه ۲

هنوز سرنوشت هزاران اسیر جنگی نامعلوم است

پایان ششمین اجلاس اقتصادی ایران و پاکستان

تیردگی مناسبات میان جمهوری اسلامی و رژیم بعث عراق، سرنوشت هزاران اسیر جنگی باقی مانده در دو کشور را هم چنان در بوته ابهام نگاه داشته است. دو رژیم یکدیگر را به کارشکنی در آزادی اسرای باقی مانده متهم می سازند. حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور و سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی ۳ هفته پیش خود، تعداد اسرای باقی مانده ایرانی در عراق را ۵ هزار تن اعلام کرد. او مسئولیت ادامه اسارت این عده را متوجه دولت عراق دانست و گفت: «علیرغم اینکه رژیم عراق در اوایل آمادگی خود را جهت روشن ساختن وضعیت این عده اعلام داشته بود، اما حاضر نیست هیچ گونه اطلاعاتی در مورد وضعیت و سرنوشت این اسیران در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد. رژیم عراق نیز ادعاهای

مشابه ای در مورد سرنوشت اسیران جنگی این کشور در ایران مطرح ساخته است. به گفته منابع عراقی هنوز چندین هزار تن از افراد این کشور در اسارت جمهوری اسلامی به سر می برند. روز سه شنبه هفته گذشته عراق به جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد، مذاکره برای آزادی اسراء بدون فوت وقت، آغاز شود. یکرور پیش حسن حبیبی سخنگوی دولت جمهوری اسلامی نیز تمایل رژیم برای بهبود رابطه با عراق را اعلام داشته و تاکید کرده بود که ایران از هر تلاشی در این راستا استقبال می کند.

اما تیره گی شدید مناسبات که با ادامه جنگ تبلیغاتی همراه است، مانع از آن میشود که شرایط برای برداشتن گام های واقعی جهت آزادی اسرای باقی مانده فراهم شود. رژیم اسلامی به طور روزمره تبلیغات خود علیه رژیم صدام و تحریک مخالفین شیعه

این کشور را ادامه می دهد و رژیم صدام نیز با روش های مشابه به تبلیغات ضد جمهوری اسلامی دامن میزند. هفته گذشته روزنامه الثورة ارگان حزب بعث عراق در یکی از شدیدترین حملات خود به حکومت اسلامی نوشت: رژیم های پیشین و کنونی ایران همیشه در مبارزه با اعراب آلت دست قرب بوده اند. الثورة مدعی شد جمهوری اسلامی در مبارزه با عراق همکاری های جنایتکارانه ای با آمریکا و قرب داشته و از این نظر هیچ فرقی با رژیم شاه نداشته است.

در جریان شورش های اخیر در کردستان عراق، مقامات عراقی مدعی شدند که جمهوری اسلامی در این شورش ها نقش داشته و اعلام داشتند عده ای از عوامل حکومت ایران را در این رابطه دستگیر کرده اند. روز ۲۸ تیرماه گذشته نیز نمایندگان جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نامه ای

توافق هایی در زمینه های گمرکی، صنعتی، مخابراتی، امور پستی و همکاری های فنی حاصل شده است.

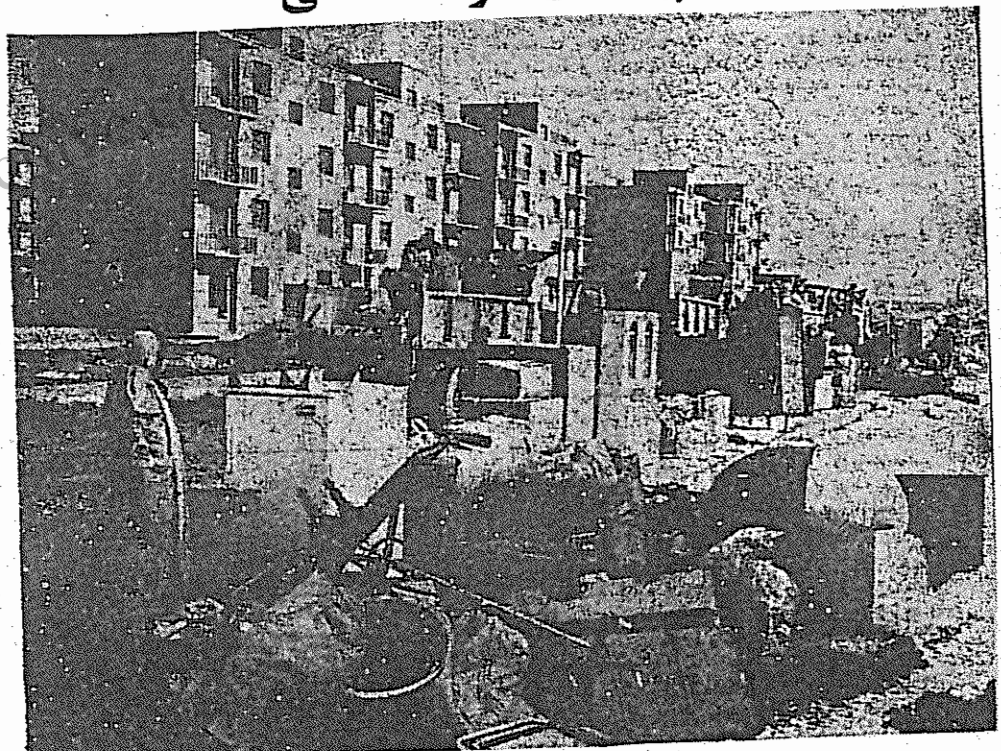
در جریان این اجلاس فلانمرضا آقازاده و نصارعلی خان وزرای نفت دو کشور پروتکل همکاری در زمینه نفت و گاز نیز به امضا رساندند. در این پروتکل زمانبندی احداث پالایشگاه ۱۲۵ هزار بشکه ای نفت در کراچی با مشارکت شرکت ملی نفت ایران مورد توافق قرار گرفته است. به موجب این زمان بندی، قرار است این پالایشگاه تا سال ۱۹۹۶ به بهره برداری برسد. در این پروتکل، انتقال گاز ایران به پاکستان نیز پیش بینی شده است. بدین منظور کمیسیون ویژه ای برای تبادل اطلاعات، مشاوره ها و همکاری های ضروری، از جانب دو کشور تشکیل خواهد شد.

ششمین اجلاس مشترک اقتصادی ایران و پاکستان روز سه شنبه گذشته با امضای یک یادداشت تفاهم در تهران پایان یافت. این یادداشت تفاهم را وزرای امور اقتصادی و دارایی ایران و پاکستان امضا کردند. مطابق این یادداشت، نقش بخش خصوصی دو کشور در مبادله های بازرگانی دو جانبه افزایش خواهد یافت. پیش بینی شده است سهم این بخش در مبادلات بازرگانی دو کشور سالانه به ۲۰۰ میلیون دلار (۱۰۰ میلیون) بالغ شود. مطابق یادداشت فوق برای تسهیل مبادلات هر یک از طرفین تا ۵۰ میلیون دلار اعتبار صادراتی یکساله در اختیار طرف مقابل قرار خواهد داد. محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی طی سخنانی پس از پایان اجلاس گفت در این اجلاس

تظاهرات دلیرانه مردم تهران و اصفهان علیه خانه خرابی و

پیدا در حکومت اسلامی

بقیه از صفحه اول



آلونک نشین است. پس از یک عمر کار و زحمت نصیص از آبار تمانجای چند طبقه آسوتر فقط نگاهی حسرت زده است. حکومت فقما زندگی او در زیر سقف محقر آلونکی ساخته شده از حلبی را نیز بر نتانته و به ویرانی اش کمر بست. اما این بار خشم او علیه خانه خرابی و پیدا در جمهوری اسلامی، شعله کشید.

یورش مامورین انتظامی برای تخریب آلونک ها و مقاومت دلیرانه - زحمتکش حلی آباد باقر آباد که یادآور تظاهرات خارج از محدوده در آخرین سالهای حکومت شاه بود، انعکاس گسترده ای پیدا کرد. وحشی گری ماموران رژیم خشم و نفرت رادر میان مردم دامن زد. یک سرباز پیشین ساکن باقر آباد که مدت ها در اسارت رژیم عراق به سر می برد، به خبرنگار روزنامه رسالت گفت: برخورد خشونت باری که نیروهای انتظامی با مردم فقیرنشین این محله داشتند از تجربیات ناخوشایند او در طول جنگ با عراق بدتر بود. گسترده گی تظاهرات و انعکاس آن بقدری بود که روزنامه های رژیم مجبور به درج آن شدند. نخستین بار روزنامه سلام خبر این تظاهرات را انعکاس داد و سپس سایر روزنامه ها گزارشاتی محتاطانه و مفرضانه به چاپ رساندند.

چند روز پیش از تظاهرات مردم جنوب تهران، شهر اصفهان نیز شاهد تظاهرات خیابانی گسترده مردم علیه حجاب اجباری بود. این تظاهرات در روز جمعه ۴ مرداد و به هنگامی رخ داد که مامورین رژیم بار دیگر به بهانه

آتش سوزی بزرگ در بازار تهران

بقیه از صفحه اول

و بازرگانی را در بخشی از بازار مختل ساخت.

در حالیکه جمهوری اسلامی حریق در بازار را خرابکاری خوانده و تحقیقات پیرامون چگونگی و علل این آتش سوزی ها ادامه دارد، بیشترین احتمال برای انگیزه این "خرابکاری" را باید در مبارزه رو به تشدید جناح های حکومتی دانست. در این مبارزه که با نزدیک شدن انتخابات مجلس چهارم روبه شدت و خصومتی بی سابقه می رود بازار یک طرف اصلی است و برخی گزارشات محافظی از جناح تند رو را در این خرابکاری سمیم میدانند. درگیری جناح های حکومتی به هنگام وقوع آتش سوزی دو شبانه این احتمال را تقویت می کند.

داشت شعله های آتش چنان سربه آسمان می کشید که از بسیاری نقاط پایتخت قابل رویت بود. برای خاموش کردن این حریق عظیم مامورین آتش نشانی ۱۲ ایستگاه تهران وارد عمل شدند. مطابق گزارش ها ۴ تن در جریان این آتش سوزی جان خود را از دست دادند. آتش سوزی در سرای فرش و پارچه روی داد و در جریان آن هزاران قطعه فرش نفیس دست یاف و هزاران متر پارچه دستخوش حریق شد. خسارات این آتش سوزی عظیم که ۴۰۰ هزار قطعه آتش کرد، ۲۰۰ میلیون هادار اعلام شد.

نضای سیاسی جامعه به دنبال ۲ اعتراض بزرگ مردمی در اصفهان و تهران و هم چنین آتش سوزی های مهیب بازار بار دیگر متشنج شده است. اگر این احتمال که آتش سوزی ها نتیجه نزاع درونی حاکمیت است، قطعی شود، آنگاه باید نتیجه گرفت که دو طرف خود را برای یک جنگ تمام عیار آماده می کنند. واقعیت این است که بحران سیاسی در جامعه ما رو به تشدید است. هم تشدید منازعات حکومتی که بی تردید تا انتخابات مجلس چهارم شدت بیشتری خواهد گرفت و هم گسترش مبارزه مردمی علیه حکومت به این بحران دامن میزنند و حوادث بازم تازه تری را در چشم انداز قرار می دهند.

انتظامی در شهر اصفهان به حالت آماده باش بودند و نیروی زیادی برای مقابله با تظاهرات احتمالی بعدی بسیج شده بود. تظاهرات مردم اصفهان علیه حجاب اجباری یکی از گسترده ترین و شدیدترین تظاهرات سال های اخیر بود و منابع فربنی آن را "بزرگترین شورش ضد حجاب" پس از انقلاب نامیدند.

این تظاهرات پاسخ دندان شکن مردم بجان آمده از فشارهای رژیم در برابر تعدیات اخیر حکومت مبنی بر "رهایت شئون اسلامی" بود. همزمان با شروع ماه محرم ارگان های مختلف و نیروهای انتظامی رژیم فشارهای خود علیه "بدحجابی" و "فرهنگ ضد اسلامی" را شدت بخشیده و بار دیگر خیابان ها را جولانگاه خود ساخته بودند. ۲ روز پیش از تظاهرات مردم اصفهان، وزارت کشور که در دست طرفداران رفسنجانی است با صدور اطلاعیه شدیدالحنی به مردم و به ویژه زنان در مورد رهایت حجاب و فرهنگ اسلامی و پرهمیز از هرگونه شادمانی در ماه محرم اخطار کرده و تهدید نموده بود که نیروهای انتظامی با "متخللین" با شدت عمل نیروهای انتظامی با تظاهرات دلیرانه مردم اصفهان نقش بر آب شد. در همین حال گزارشات دیگری از اعتراضات مردم در برخی از شهرها از جمله تهران و شیراز، علیه تشدید فشارهای اعمال رژیم در دست است.

وقوع ۳ تظاهرات بزرگ و ده ها اعتراض کوچکتر در ظرف کمتر از یکماه نشانگر آن است که تحمل شرایط سخت زندگی در زیر سایه حکومت فقهاروزه روز دشوارتر می شود و مردم برای مقابله با خودسری های حکومتی افت هر روزه سطح زندگی چاره ای نمی بینند جز آنکه به مقاومت و مبارزه رودز رو با حکومت روی آورند. روحیه مقاومت، اعتراض و مبارزه در جامعه اعتلا یافته است و این روحیه رژیم را که در بحران همیق اقتصادی و سیاسی و درگیریهای علاج ناپذیر درونی فوطه ور است یا دشواری های تازه تر مواجه می سازد و آینده آن را بیش از پیش نامطمئن می سازد.

نخست وزیر ایتالیا ماه آینده

به ایران سفر می کند

ارسال خواهد کرد. از جمله این محموله ها، هلی کوپترهای نظامی خواهد بود که قرارداد آن در رژیم شاه تنظیم شده بود. ایتالیا در طول سال های جنگ ایران و عراق، نیز از جمله صادرکنندگان عمده سلاح به دو کشور درگیر جنگ بود.

واکنش مقامات این کشور در برابر ترور مترجم ایتالیایی کتاب آیه های شیطانی نیز بگونه دلخواه رژیم اسلامی بوده است. در آستانه سفر آندره ثوتی، در تهران اعلام شد که بزودی ایتالیا محموله های تسلیحاتی تازه ای برای رژیم جمهوری اسلامی

مخالفت جمهوری اسلامی بانر مش اعراب در مقابل اسرائیل

ایران روبه ویرانی است

همزمان با تغییر موضع سوریه و اعلام آمادگی دولت این کشور برای انجام مذاکرات صلح با اسرائیل و نیز موافقت مشروط دولت اسرائیل برای شرکت در کنفرانس صلح، رژیم جمهوری اسلامی تبلیغات خود علیه آمریکا و اسرائیل را شدت بخشیده و تلاش برای مذاکرات را بشدت محکوم میکند.

سران رژیم نظیر علی خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در سخنرانیهای خود در هفته گذشته مذاکره با اسرائیل را محکوم کردند و مبارزه با "سازشکاری" سران حزب را وظیفه مسلمانان منطقه نامیدند. موسوی اردبیلی نیز در نماز جمعه هفته گذشته بخش عمده‌ای از سخنان خود را به این موضوع اختصاص داد و مذاکره و صلح را مردود

دانست، وی گفت: هر چند دولت‌های منطقه با طرح‌های سازشکارانه موافقت کرده‌اند، اما ملت‌ها با آن مخالفند. اردبیلی افزود: دل‌های مردم منطقه مملو از کینه نسبت به اسرائیل است و خطاب به سران دولت‌های هری رسید: با این دل‌های پر کینه می‌خواهید چه کنید؟

دشواری موقعیت جمهوری اسلامی، بیش از همه ناشی از سیاست‌های جدید سوریه، که نزدیکترین متحد هری رژیم به شمار می‌آید، است. هر چند سران رژیم هنوز سوریه را به‌طور رسمی مورد انتقاد قرار نداده‌اند، اما در سخنان خود به‌طور غیر مستقیم به سازشکاری آن حمله می‌کنند.

جمهوری اسلامی در جریان اجلاس وزرای خارجه کشورهای

اسلامی که اواخر هفته گذشته در ترکیه آغاز شد، سوریه را از هماهنگی با سیاست آمریکا باز دارد. علی‌اکبر ولایتی که روز ۵شنبه برای شرکت در این اجلاس هازم ترکیه شد در مورد موضع سوریه گفت: مایل است دلایل تصمیم اخیر سوریه را از زبان وزیر خارجه این کشور بشنود.

آنچه قطعی است، مسیر جدیدی است که سوریه در جهت نزدیکی به سیاست‌های آمریکا در منطقه برگزیده و بی‌تردید تلاش‌های جمهوری اسلامی بر این متحد وفادار دیروزی کمترین تأثیری نخواهد داشت. با چرخش سوریه به سوی آمریکا جمهوری اسلامی در منطقه بیش از پیش تنها می‌شود و امکانات ستیز با آمریکا و دامن زدن به بنیادگرایی اسلامی را نیز بیش از گذشته از دست می‌دهد.

دستگیریهای گسترده در رابطه با سوءاستفاده‌های مالی

به نوشته روزنامه رسالت در طول ۹ ماه گذشته دستگیریهایی وسیعی در سطح شهرستان مرافقه صورت گرفته که همگی آنها بدون استثنا در ارتباط با ارتشاه، اختلاس و سوءاستفاده‌های کلان مالی بوده است. در این جریان بخشی از مسئولین حکومتی در محل، دستگیر شده‌اند. مسئول سیاسی بخش سیاسی و انتظامی فرمانداری مرافقه، مسئول سابق کمیته توزیع مرغ و تخم مرغ مرافقه، سرپرست سابق و تنی چند از کارکنان اداره کار مرافقه، مسئول سابق زمین شهری مرافقه، شهردار سابق مرافقه، نماینده مرافقه در مجلس شورای اسلامی، مسئول سابق بنیاد مسکن مرافقه و دو تن از همدمستان وی در همین نهاد و عده دیگری از واسطه‌ها و مرتبطين این افراد به اتهام اختلاس، ارتشاه و

پیشروی دوباره آب دریای خزر

این کشور، دهانه ورودی خلیج تره‌بغاز در ساحل ترکمنستان بار دیگر گشوده شد. این خلیج کم‌عمق هر ساله حجم قابل توجهی از آب دریا را از طریق تبخیر خارج می‌سازد. در سال‌های گذشته که آب دریا مداوماً کاهش می‌یافت، دولت شوروی سدی در دهانه این خلیج احداث کرد تا از ورود آب دریای خزر و تبخیر و کاهش آن جلوگیری کند.

آفریقای جنوبی: جابجایی وزرا

وزارت تدوین قانون اساسی و مسئول انجام مذاکرات درباره پایان دادن به جدایی نژادی بود. وزیر جدید "قانون و نظم"، هرنوس کریل است که تا پیش از این در مقام وزرات امور استان‌ها بر چگونگی لغو آپارتاید نظارت می‌کرد. البته در دوره وزارت کریل، هزاران سیاهپوست از شهرک‌هایی که به‌طور غیرقانونی ایجاد کرده بودند، رانده شدند.

که هم‌دا ناشی از تفاوت سیاست‌های ایران و پاکستان در قبال افغانستان است، و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آنها نقش خواهد داشت.

بقیه از صفحه اولی

توافق جمهوری اسلامی پاکستان و شورشیان افغان

افغان در این بیانیه خواهان استعفای نجیب‌الله رئیس‌جمهور افغانستان شدند و تأکید کردند هر راه‌حلی برای افغانستان باید به برکناری دولت "فیرقانونی" کنونی در کابل و به تدرت رسیدن یک "دولت منتخب اسلامی" بیانجامد. طرح سازمان ملل که ۳۱ اردیبهشت امسال از سوی خاویار پرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل ارائه شد، پیش‌بینی می‌کند که تحویل اسلحه به طرفین جنگ داخلی افغانستان متوقف شود و تا زمان برگزاری انتخابات یک دولت موقت زمام امور را به دست گیرد.

علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در پایان اجلاس ۲ روزه اسلام‌آباد، ضمن مصاحبه‌ای از نتایج اجلاس ابراز خوشنودی نمود و نشست فوق را "تفاهم‌مطلی در تاریخ مبارزات ملت مسلمان افغانستان" خواند. او افزود برای شرکت شیعیان در دولت موقت موافقت‌های اصولی صورت گرفته است.

رژیم اسلامی تاکنون تلاش‌های متعددی برای شرکت شورشیان شیعه وابسته به خود در دولت موقت، که به‌طور عمده از گروه‌های افغانی و بسته به صورت پاکستان تشکیل می‌شود، صورت داده است. چندی پیش نیز سران دولت موقت به تهران آمدند و مذاکرات مغصلی با گروه‌های افغانی مقیم ایران و با نظارت مقامات جمهوری اسلامی انجام دادند. اما این تلاش‌ها و مذاکرات برای سهم کردن گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در دولت موقت مجاهدان افغانی تاکنون نتایج مطلوبی بیار نیاورده و اختلاف بین گروه‌های افغانی مقیم پاکستان و ایران هم چنان باقی است. اجلاس اخیر از نظر سطح

اقت بی‌وقفه سطح زندگی، گسترش بیکاری، گرانی و تورم و تشدید اعتراضات مردم، ۲ سال پس از آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و اجرای برنامه ۵ ساله زمانی کافی است تا شکست سیاست‌ها و هم‌چنین تبلیغاتی را که با آب و تاب وعده ایجاد رفاه اقتصادی در جامعه می‌دادند، آشکار سازد.

اکنون همراه با وخامت روزافزون شرایط زندگی در ایران، محافل وابسته به رژیم نیز بیش از پیش از شکست و ناکامی برنامه ۵ ساله دولت رفسنجانی سخن می‌گویند. در روزنامه‌های رژیم با صراحت بیشتری از بحران همیتی اقتصادی ساله برای فلیه بر آن سخن گفته می‌شود. آمارهایی که از سوی محافل وابسته به رژیم ارائه می‌شود، گوشه‌هایی را از فاجعه‌ای که در بیش از یک دهه حکومت اسلامی بر جامعه ما رفته است آشکار می‌سازد.

اقتصاد ایران در همه شاخص‌های اساسی خود روبه پس دارد و به سطح دهه ۴۰ و سال‌های آغازین دهه ۵۰ بازگشته است. مطابق آمارهای رسمی موجود (منتشره در روزنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی) تولید ناخالص داخلی کشور (به قیمت ثابت) در سال ۱۳۶۷ در حدود ۲۹۶۰ میلیارد ریال برآورد شده است که تقریباً معادل همین متغیر در سال ۱۳۵۲ می‌باشد و به عبارت دیگر حجم تولید کل جامعه طی مدت ۱۵ سال ثابت مانده است. تولید ناخالص داخلی سرانه در سال ۱۳۶۷ در حدود ۵۵/۵ هزار ریال تخمین زده شده که حدوداً معادل مقدار همین متغیر در سال ۱۳۴۶ است. و به عبارت دیگر تولید ناخالص داخلی سرانه در سطح ۲۱ سال پیش در جاده است. اگر در همین سرانه شاقین کشور در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۵۸ هزار ریال کاهش یافته که حدوداً معادل مقدار همین متغیر در سال ۱۳۴۸ (۱۹ سال پیش از آن) می‌باشد.

سهم تشکیل سرمایه در تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۶۷ در حدود ۱۵ درصد تخمین زده شده است. این رقم، کمترین میزان نسبی تشکیل سرمایه در جامعه ایران طی سی سال اخیر است. کارشناسان اقتصادی این کاهش نسبی را با توجه به گسترش قابل توجه حجم سرمایه‌گذاری طی چند دهه اخیر و در نتیجه افزایش استهلاك سالانه و ویرانی‌های ناشی از جنگ ۸ ساله، برای آینده اقتصادی کشور نگران‌آور می‌دانند. این شاخص یکی از آینه‌های آینده‌نمای اقتصاد خوانده شده که نمایانگر حادث شدن مشکلات اقتصادی فعلی، در آینده است. عقب ماندگی مدام باعث فنی تولید یکی دیگر از شاخص‌هایی است که مانع اساسی توسعه اقتصادی در ایران خوانده شده است و استفاده از علوم و فنون دوران اخیر در فرایندهای تولید را هر روز بیشتر ناممکن می‌سازد. بنا به آمارهای داده شده تعداد دانشمندان، مهندسان و محققان ایرانی به عنوان یکی از عوامل اساسی باعث فنی تولید در سطحی بسیار نازل - حتی نسبت به کشورهای توسعه نیافته - قرار دارد. در سال ۱۹۸۵ تعداد کادر علمی که در تحقیقات کاربردی و علمی توسعه‌ی مشغول به کار بوده‌اند به ۵۰۴۸ نفر میرسیده است. همین رقم در کشوری نظیر ترکیه ۱۰۴۳۶ کوبا، ۱۹۵۴۳، پاکستان ۲۳۳۵۳، مصر ۲۶۶۱۷، کره جنوبی ۵۱۶۱۰، آلمان ۲۵۲۷۳۳ و ژاپن ۶۲۸۶۸۶ نفر بوده است. در همین راستا باید وضعیت تخصصی

تحریکات توطئه‌گرانه جمهوری اسلامی در مورد مساله کشمیر

بقیه از صفحه اول پس از بازگشت به تهران، ناگزیر گردید در مصاحبه‌ای اظهارات خود را تعدیل نماید و تنها از حمایت سیاسی از "مبارزان مسلمان کشمیر" سخن بگوید. اما باز دید یک مقام نظامی از منطقه‌ای بحرانی و مورد اختلاف معنای خاصی خود را دارد و در عرف بین‌المللی، نظامیان کمتر از راه‌حل‌های سیاسی سخن می‌گویند. ادامه می‌دهد.

نیروی کار، وضعیت معلمان و استادان، سطح نازل هزینه‌های آموزشی، عقب‌ماندگی کینی نظام آموزشی رانیز در نظر گرفت تا معلوم شود بابت فنی تولید در جامعه تا چه اندازه عقب مانده است.

بیکاری روزافزون آمارهای موجود حاکی از آن است که بیکاری آشکار و نهان جامعه در سال ۱۳۶۷ به حدود ۴۳ درصد کل نیروی کار بالغ شده است. بر اساس همین آمارها، اشتغال واقعی در این سال حدود ۷/۸ میلیون نفر بوده است. بار تکفل واقعی جامعه در این سال حدود ۶/۷ تخمین زده می‌شود. (این رقم در کشورهای صنعتی ۲/۲ است). به عبارت دیگر هر فرد شاغل واقعی در جامعه مادر سال ۶۷ می‌بایست به‌طور متوسط هزینه زندگی ۶/۷ نفر را تأمین کند. با توجه به بابت فنی عقب مانده تولید، سطح کاردهی سرانه شدیداً نازل شاقین و الگوی به شدت نازل توزیع درآمد، این امر به فقر و محرومیت عظیم و دامن گستر منجر شده است.

تورم تورم در ایران به معنای واقعی کلمه انجام گسیخته است. در حالیکه تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۶۷ برابر با همین متغیر در سال ۱۳۵۲ بوده است، اما نقدینگی در این فاصله ۲۰ برابر شده است. دکتر حسین عظیمی یکی از کارشناسان اقتصادی رژیم می‌گوید در صورت ثبات گردش پول باید تورم طی این دوره به ۳۰۰۰ درصد می‌رسید. در حالیکه شاخص مزبور هم‌لا در حدود ۱۰۰۰ درصد است و لذا به نظر می‌رسد که نیمی از تورم، در بطن اقتصاد به صورت بالقوه نهفته ولی دائمی آماده حمله و تهاجم در انتظار بروز است.

کارشناس نامبرده می‌گوید جامعه ایران از نظر سطح نازل تولید سرانه و عدم تعادل چشمگیر درآمدها در شرایطی بسیار نزدیک به پایین‌ترین مرحله توسعه نیافتگی قرار دارد. مرحله‌ای که مشخصه آن عدم تعادل شدید در توزیع درآمد و تولید سرانه پایین است و نتیجه آن فقر بسیار گسترده می‌باشد. کارشناس دیگری (کمال اطعاری) از پدیده‌های بنام "کنار گذاشتگی" سخن می‌گوید و آن را شامل کشورها و بخش‌هایی از ملت‌ها می‌داند که در زمره فراموش شده‌گانند و "جهان چهارم" را تشکیل می‌دهند و نتیجه می‌گیرد که بخش‌های وسیع تری از جامعه ایران - علیرغم ثروت‌های طبیعی و درآمد فراوان نفت - در زمره این فراموش شدگان درمی‌آیند.

بر اساس استانداردهای موجود در سال ۱۳۶۵ و سال‌های نزدیک قبل و بعد از آن، در مناطق شهری ۵ گروه درآمدی با کمتر از ۶۰۰ هزار ریال درآمدهای سالانه برای خانوار و در مناطق روستایی چهار گروه درآمدی با کمتر از ۴۸۰ هزار ریال درآمد سالانه خانوار یعنی ۲۳/۵ درصد از خانوارهای شهری و ۵۱/۵ درصد از خانوارهای روستایی آمارهای دولتی خط فقر را در آرد روزانه‌ای معادل ۱۷۰ ریال برای هر نفر تعیین کرده‌اند. با توجه به همین معیار به شدت فیرواقعی، بنا بر اعتراف مسئولین خود رژیم ۲۲/۵ میلیون نفر از مردم ایران (حدود نیمی

بقیه در صفحه ۷

کمک‌های مالی

رسیده:

از آمریکا با کد ۱۹ بمن، ۷۵ دلار
محمود از لس‌آنجلس، ۳۰ دلار
پویان از کاسل، ۵۰ دلار
کمک مالی رفقای ژاپن ۲۲۰۰
ین

گزارش سازمان ملل در مورد خسارات ایران در جنگ منتشر شد

کمال خرازی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، روز گذشته پس از دیدار با خاویار پوز دوکوئیار دبیر کل سازمان ملل، اعلام داشت که بزودی هیئت تازه‌ای از سوی این سازمان برای بررسی خسارت‌های ایران در جنگ ۸ ساله به ایران می‌رود. وی گفت دبیر کل با سفر این هیئت موافقت کرده است.

گزارش هیئت قبلی سازمان ملل که چندی پیش به ایران سفر کرد، چند روز پیش از سوی دبیر کل در اختیار شورای امنیت قرار گرفت. خبرگزاری جمهوری اسلامی رئوس همده این گزارش ۱۷۰

فرهنگنامه روز

صندوق بین‌المللی پول

ارگان عالی صندوق بین‌المللی پول شورای مدیریت صندوق است که هر سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. در این شورا هر کشور عضو یک نماینده دارد. ارگان دائمی صندوق، شورای اجرایی است که به لحاظ صوری زیر نظر شورای مدیریت قرار دارد اما، در عمل از انحصارات مالی و بانکی بین‌المللی، خاصه بانک‌های بزرگ آمریکا فرمان می‌گیرد. نحوه رای‌گیری در شورای مدیریت صندوق نه بر اساس هر نماینده یک رای، بلکه بر اساس میزان سپرده هر کشور در صندوق است. هر کشور دارای ۲۵۰ رای است و به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ دلار سپرده خود در صندوق یک رای دیگر به خود اختصاص می‌دهد. ۲۶ درصد آرا به آمریکا و ۱۲/۳ درصد آن به انگلستان تعلق دارد. بدین ترتیب آمریکا تصمیم‌گیرنده اصلی در صندوق بین‌المللی پول است.

صندوق بین‌المللی پول که از نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد است در سال ۱۹۴۴ در پی تشکیل کنفرانس ارزی و ملی ملل متحد در برتون وودز (آمریکا) تاسیس شد. هدف این کنفرانس از تاسیس صندوق بین‌المللی پول انتظام بخشیدن به روابط ارزی و تجاری بین‌المللی بود. قراردادی که برای تحقق بخشیدن به این هدف امضا شد، از ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ به اجرا درآمد و صندوق بین‌المللی پول از یکم مارس ۱۹۴۷ فعالیت‌های خود را در واشینگتن آغاز کرد.

از همان آغاز، صندوق بین‌المللی پول به ابزار سلطه دلار بر دیگر ارزها تبدیل شد. سرمایه این صندوق تشکیل شده است از سپرده‌های کشورهای عضو.

بالاترین سپرده به آمریکا تعلق دارد. انگلیس و فرانسه در مراتب بعدی قرار دارند. هر عضو صندوق باید ۲۵ درصد میزان سپرده‌اش به دلار و یا طلا باشد.

صندوق بر تغییرات ارزهای کشورهای عضو نظارت دارد. هر تغییری که بیش از ۱۰ درصد باشد (کاهش یا افزایش قیمت ارز ملی نسبت به دلار یا طلا) باید با موافقت صندوق صورت گیرد. صندوق به اعضای خود وام‌های کوتاه مدت می‌پردازد. پرداخت وام به صورت "نروش" یک ارز دیگر (معمولاً دلار) به ازای ارز کشور وام‌گیرنده صورت می‌گیرد. در این زمینه که به چه کشور وام پرداخته شود و چه میزانی، در اساس آمریکا تصمیم‌گیرنده است. در صندوق بین‌المللی پول ۱۵۵ کشور عضویت دارند.

اتحاد شوروی که پیش از این، صندوق بین‌المللی پول را یک "ابزار دست امپریالیسم آمریکا" می‌دانست، بر سر آنست که به عضویت کامل صندوق درآید. در تاریخ ۱۵ ژوئیه تقاضای عضویت کامل شوروی در اختیار شورای اجرایی صندوق قرار گرفته است. آمریکا اعلام کرده است که از عضویت شوروی در صندوق بین‌المللی پول پشتیبانی نخواهد کرد. عضویت شوروی در صندوق بین‌المللی پول و نیز در بانک جهانی، پی‌آمدهای مهمی برای اقتصاد این کشور در بر خواهد داشت. روبل به صورت شناور در خواهد آمد، تابع دلار خواهد شد و شوروی مجبور خواهد شد برای گرفتن وام از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی امتیازات مهمی به کشورهای قدرتمند حاکم بر این نهادها بدهد.

نخستین خط‌متر و به سوی بهشت زهرا!



مسئولان امور مترو تهران اعلام کردند که مسیر خط یک مترو تهران تا پایان سال جاری آماده می‌شود. به گزارش خبرنگار روزنامه اطلاعات مراحل پایانی عملیات اجرایی مسیر خط مترو به طول ۲۹ کیلومتر رو به تمام است و تنها تونل زیر گذر میدان محمدیه تا چهار راه گلوبندک به طول تقریبی ۱/۵ کیلومتر و بخش کوتاهی از مسیر مد فاصل خیابان طالقانی تا میدان عفت تیرباتی مانده است.

۱۲/۵ کیلومتر از مسیر ۲۹ کیلومتری خط میرداماد - هشت زهرا از میرداماد تا میدان شوش بصورت زیر گذر و حدود ۱۶/۵ کیلومتر دیگر به صورت

روگذر خواهد بود. پروژه مسیر شوش - بهشت زهرا از اردیبهشت سال ۱۳۶۵ آغاز شد و در اواخر سال ۱۳۶۸ تکمیل و برای بهره‌برداری موقت در اختیار راه‌آهن قرار گرفت. قرار است پس از پایان عملیات اجرایی تونلهای شهری و اتصال به دیگر بخش‌های مربوطه این خط، از واگن‌های مترو استفاده شود. در مسیر ۲۹ کیلومتری فوق تعداد ۱۰ ایستگاه در نظر گرفته شده است که در حال حاضر ۳ ایستگاه آن آماده بهره‌برداری است.

بسیار با معنی است که نخستین خط متروی جمهوری اسلامی از بهشت زهرا سردر می‌آورد!

وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به استقرار دفتر یا سازمانی در کشورها اقدام کند تا این حضور سروسامان داده شود. این را می‌گویند بایک تیر چند نشان زدن! یعنی هم دلالی را از دست هوامل پراکنده به خود دولت منتقل می‌کنند، هم ارز حاصله را به قیمت "شناور" از کارگران می‌خرند و هم توسط دفتر مذکور مهاجرین کارورز را کنترل می‌کنند.

البته در شرایطی که کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن از هر سو تحت فشار پلیس ژاپن، واسطه‌ها و کلابراداران گوناگون قرار دارند، شاید یکدست شدن طرف‌های آنها آن هم بنام دولت ج-۱ آثار اراضی کند ولی بحث بر سر بلندپروازی‌های اولیه آقایان است که سرانجام از کجا سر درآورده است! موفقیت برنامه‌های هم‌رانی آقای رفسنجانی آرام آرام آشکار می‌گردد! برنامه "ملی" وی حداقل در این موارد بسیارست از دهوت سرمایه‌داران و متخصصین به داخل و صادر کردن نیروی کار ساده و ارزان به کشورهای دیگر به منظور استفاده از درآمد ارزی آنها!

مهاجرت نیروی کار در ایران، دولتی می‌شود

پس از اخراج‌های پیاپی جوانان جویای کار ایران از ژاپن، اخیراً فروزش وزیر جهاد رژیم در برنامه رادیویی ارتباط مستقیم که روز ۲۶ خرداد پخش شد، اظهاراتی نموده که پس از مدتها سکوت، سیاست فرصت طلبانه جمهوری اسلامی را در این مورد روشن کرده است. وی پس از اینکه مقدمتاً وعده داد که با باجبرد آمدن برنامه پنجساله هم‌رانی سعی خواهد شد که همه نیروهای فعال کشور جذب کار شوند، ناگهان نتیجه‌گیری کرد که: "تا تحقق این برنامه هیچ اشکالی ندارد. که تعدادی از هموطنان و جوانان پرشور جویای کار به بازار کار کشورهای دیگر راه یابند." وی برای توجیه این موضع ابتدا یکی از راه‌های جذب تکنولوژی را همین مهاجرت نیروی کار دانسته و سپس وارد اصل موضوع شد: "اگر هریک از جوانان این کشور که به بازار کار ژاپن راه می‌یابند،

حدود ۱۰ هزار دلار درآمد ارزی کسب کنند، با حضور سالانه ۱۰۰ هزار نفر از جوانان در ژاپن مبلغی بالغ بر یک میلیارد دلار درآمد ارزی تحصیل می‌شود که این درآمد کمک شایانی به اقتصادی ملی و منابع ارزی کشور خواهد بود."

در مورد جذب تکنولوژی، وی همدا فراموش کرد که کارهای انجام شده توسط جوانان ایرانی در ژاپن اتفاقاً هیچ ربطی به تکنولوژی پیشرفته ژاپن نداشته و تنها کارهای دشوار و بسیار سطح پایینی را شامل می‌شود که خود ژاپنی‌ها رفتنی به انجام آن ندارند. ولی در مورد درآمد حاصله البته صحیح است! بخصوص که در ادامه وی موضوع را کاملاً روشن کرده است و می‌گوید: "برای حضور جوانان جویای کار کشورمان در ژاپن و بازار کار کشورهای طالب نیروی کار انسانی با بحثی که در هیئت دولت صورت گرفته مقرر شد

تعطیل "صدای آشنا"

به نوشته هفته‌نامه کیهان هوایی، برنامه رادیویی "صدای آشنا" تعطیل شده است. این برنامه رادیویی از تهران و برای خارج از کشور پخش می‌شد. "صدای آشنا" با محدودیت‌های بیشتر، جان نقشی را در برنامه‌های رادیویی برعهده داشت. مسئولین رژیم در عرصه مطبوعات برعهده یگان هوایی قرار داده‌اند. در این برنامه رادیویی رژیم جمهوری اسلامی می‌کوشید چهره‌های تعصفت‌تر و بازتر از خود آرایه دهد، اما به دلیل آنکه صدای این رادیو در تهران نیز شنیده می‌شد، در ایامین نقش با محدودیت‌های فراوانی مواجه بود.

هنوز انگیزه تعطیل این برنامه رادیویی روشن نیست. کیهان هوایی آن را "بموت آور و گنگت انگیز" خوانده، اما به دلایل توقف کار این رادیو اشاره نکرده است. دبیر سرویس خبر این شریه در یادداشت هفتگی خود پرسیده است در

شرایطی که دولت تلاش وسیعی را برای جذب نیروهای متخصص خارج از کشور آغاز کرده است، چرا باید این رادیو تعطیل شود؟ ناگفته نماند که "صدای آشنا" یکی از مبلغین نشریه کیهان هوایی بود و مقالات اساسی هر شماره آن را در برنامه‌های خود پخش می‌کرد.

در مورد تعطیلی این رادیو شایعات مختلفی وجود دارد. در گریه‌های درونی در صدا و سیما می‌تواند یکی از انگیزه‌های تعطیل "صدای آشنا" باشد. اما پیش از این باید به ناموفق بودن کار این رادیو اشاره کرد. صدای آشنا برای ایرانیان خارج از کشور پخش می‌شد، اما جز محدود کسانی، در میان این ایرانیان شنونده‌ای نداشت و تنها باری بود بدون استفاده بر دوش صدا و سیما جمهوری اسلامی!

۲ مدال طلای المپید ریاضی برای دانش‌آموزان ایرانی



تیم ۶ نفره دانش‌آموزان ممتاز ریاضی کشور که در سی و دومین المپید جهانی ریاضی شرکت کرده بود، موفق شد ۲ مدال طلا، یک نقره و دو برنز به دست آورد. بهرنگ نوحی و پیمان کسبایی ه سال گذشته به عنوان دانش‌آموزان کلاس سوم بیرستان در این مسابقات برکت کرده و به مدال نقره دست افته بودند، امسال مدال طلای المپید جهانی ریاضی را به دست بردند. آیت کریم زاده پارویی از ستان چهار محال و بختیاری به دال نقره رسید و شهرام حسین پور و مهدی مسگری برنز رفتند.

این المپید در سوئد برگزار شد و دانش‌آموزان ممتاز ۵۶ شور جهان در آن شرکت کردند. هم‌های شوروی، چین، رومانی، آلمان و آمریکا مقام‌های اول تا پنجم را به دست آوردند. دانش‌آموزان ایرانی، به مقام چهارم در این مسابقات هفتم رسیدند. آنها در آسیا پس از چین در جای دوم قرار گرفتند. سال گذشته دانش‌آموزان ایرانی مقام چهارم را به دست آورده بودند.

بلوچستان ناآرام است

دکتر حبیبی سخنگوی دولت و معاون رئیس جمهور اعلام داشت روستاهایی که در بلوچستان به دستور مقامات امنیتی و انتظامی تخلیه شده‌اند، "روستاهای مصنوعی" بوده‌اند. خبر تخلیه این روستاها را نخستین بار نوری وزیر کشور اعلام داشت. چند ماه پیش نوری اظهار داشته بود که بدستور نیروهای انتظامی تعدادی از روستاهای ایران در حاشیه مرزی پاکستان تخلیه شده‌اند و ساکنان این روستاها در مناطق دورتری اسکان داده شده‌اند. حبیبی در دنباله اظهاراتش هم چنین وضعیت مناطق مرزی شرق کشور را ناآرام توصیف کرد. وی تأمین امنیت این مناطق را موکول به همکاری دولت‌های کشورهای همسایه شرقی نمود. پیش از این سخنان، رئیس قوه قضاییه در سفری به استان خراسان مدعی شده بود اوضاع مناطق مرزی شرق کشور هادی است.

خسارات ایران

از اشتعال چاه‌های نفت کویت

در کشور ما تنها در استان فارس آلودگی محیط زیست به خاطر اشتعال چاه‌های نفت کویت، باعث آسیب دیدن نیمی از ۹ میلیون هکتار جنگل و مرتع این استان شده است. این خبر را نماینده سازمان محیط‌زیست استان فارس اعلام داشته است. وی که در نشست به منظور بررسی شایعات ناشی از آتش سوزی چاه‌های نفت کویت سخنرانی میکرد، هم چنین افزود در استان فارس خسارات وارده از ریزش باران سیاه به مراتب این استان به ۱۵ میلیارد ریال بالغ می‌شود. در نشست مزبور بر تأثیر مخرب عوارض آتش‌سوزی چاه‌های نفت کویت بر آب‌های جاری و زیرزمینی و نیز بر ابله تاریخی استان فارس تأکید شده است.

به مناسبت ۸۵ سالگی پیروزی انقلاب مشروطیت

استبداد، نه!

روز چهاردهم مرداد امسال، ۸۵ سال از پیروزی خواست ملت ایران برای تاسیس "هدالتخانه" می‌گذرد. در این روز، خاطره نهضتی که چند ده سال پیر مرارت برای به ثمر نشستن آن وقت صرف شد، پیروزی آزادی بر خودکامگی و مشروط شدن شاه و سلطنت به قیود ملت را جشن می‌گیریم. تحمیل مشروطیت بر استبداد تاجر، دروازه راه دشوار و طولانی آزادی را بر روی ملت ایران گشود. مشروطیت، پیش از همه سمبل خواست ملی ایرانیان برای استقرار آزادی بود.

نهضت مشروطیت، همزاد نهضت تجدیدخواهی بهترین اندیشمندان وقت در کشور بود. معماران فکری این نهضت، در دل ظلمات استبداد و حاکمیت تحجر و خرافه پرستی بر ذهن و روان مردم، کار بزرگی را در اشاعه آگاهی در کشور از پیش بردند. تشریحی ترین و متجربترین بخش روحانیت، زدیترین متحد نیروی استبداد در مقابله با مشروطیت بود. استبداد ارتجاع مذهبی که از هم غذایی میکردند، از هیچ تلاشی برای جلوگیری از بیداری مردم و استقرار آزادی در کشور فروگذار نکردند. عصاره مشروطیت بود. رنسانس تجدیدطلبی، پیش در آمد جنبش سیاسی برای آزادی بود.

نهضت مشروطیت، در شرایطی که استعمار کمن کار تقسیم جهان را از پیش می‌برد در اوج قدر قدرتی بود، سنگر مبارزه علیه استعمار و حفظ و تامین استقلال میهن بود. رهبران و رهروان جنبش‌های ملی بعدی، از دل این نهضت سر بر آوردند. انقلاب مشروطیت، کشور ما را در مرحله نوینی

از حیات خود کرد. هر تحولی در کشور در هر عرصه از زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی طی یک قرن گذشته، اساسا ریشه در جنبش مشروطیت دارد. به این اعتبار، انقلاب مشروطیت تا به امروز نیز تداوم خود را حفظ کرده است. همه جنبش‌های سیاسی معاصر میهن ما بگونه‌ای از نهضت مشروطیت منشاء گرفته‌اند. نهضت‌های آزادیخواهانه، استقلال طلبانه، تجدیدخواهانه، رشد و پیشرفت، و عدالت خواهی میهن ما جملگی به سنت‌های انقلاب مشروطیت اتکا دارند. مشروطیت، سرآغاز بود نه آنگونه که به "مشروطیت رسیدگان" آن را نقطه پایان خواندند. مشروطیت، وداع با دیروز کهنه و مستبد بود. مشروطیت، در جوهر خود آزادی و دموکراسی را حمل می‌کرد و نه جاودانگی سلطنت را!

جمهوری اسلامی هلیرقم یدک کشیدن عنوان دروین جمهوری و به رخ کشیدن نشست آخوندی به عنوان پارلمان، پدیده‌های مخالف و متضاد با روند مشروطیت است. این "جمهوری"، تجلی روح شیخ فضل الله نوری در ایران هشتاد سال پس از مشروطیت است!

مشروطیت، سنت درخشان همه آن جنبشی است که هم دیروز و هم امروز به استبداد در هر شکل آن، "نه!" میگوید. مشروطیت، مظهر آزادی و آزادیخواهی بود و اکنون باید در کالبد جمهوریت دموکراسی حلولی دیگر باید پشتوانه تحقق این مهم، مبارزه متحد همه نیروهای خواستار آزادی و تجدید برای دموکراسی در قالب جمهوری پارلمانی است.

از نامه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده

معنی دار و هوشمندانه آخوندزاده، در انتشار اثر او به زبان فارسی دقیق از آب در آمد اندکی بیشتر از صد سال طول کشید! با اینهمه، این اثر اکنون نیز در ایران تحت حاکمیت آخوندهای مستبد و مرتجع، ممنوع انتشار است و نام آن در صدر لیست کتب ممنوعه قرار دارد! گویا آخوندزاده با ابعاد تاریخی آفرینش خود واقف بود که شدیداً آرزومند چاپ اثرش به زبان فارسی بود! او در نامه‌ای به تاریخ ۲ فوریه ۱۸۷۵ به یاکوف آکیویچ نوشت: "اصل فارسی بطور حتم باید منتشر گردد والا بدون چاپ اصل تالیف نمی‌توانم با چاپ ترجمه‌های آن موافقت بکنم." هم‌اکنون میرزا فتحعلی آخوندزاده، هیچکس نه در حیات او و نه حتی سال‌ها پس از مرگ وی نمی‌دانست که مولف "مکتوبات کمال الدوله" است. میرزا، هشیارتر و دوراندیش‌تر از آن بود که چنین احتیاطی را از نظر دوردادار اما در برابر او در قبال تغییر مضمون و حتی زبان اثر بشدت حساس بود و در برابر هیچیک از توصیه‌ها و فشارهای اطرافیان عقب نشینست و تسلیم نشد. او به ناشران خارجی نوشت که: از نشر این تالیف چشم‌داشت هیچگونه سودی ندارد... و فقط می‌خواهد ظلمت جهالت را بوسیله نور معرفت از بین ببرد تا در نتیجه هرگونه تعصب و هداوت دینی از میان برداشته شود. وقتی که میرزا محمد جعفر قراچه‌دانی مترجم نماینده‌های آخوندزاده از آذربایجان به فارسی، طی

یک صد و سی سال پیش، متفکر برجسته آذربایجانی میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۸۷۸ - ۱۸۱۲) جوهر اندیشه‌های خود برای پی‌ریزی یک ایران متحد و آزادی پرور را، در اثری انتقادی با زتاب داد. این تالیف گرانقدر موسوم است به "مکتوبات شاهزاده هندوستان کمال الدوله نوزند اورنگ زیب که به دست خود شاهزاده ایران جلال الدوله ساکن مصر نوشته است و جواب جلال الدوله به او" که البته در میان مردم به اختصار به "مکتوبات کمال الدوله" شهرت پیدا کرده است. گفتنی است که اگر چه آخوندزاده این نامه‌های فلسفی را در سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۸۶۵ میلادی به نگارش درآورد اما تا پایان عمر خود در تکمیل و تدقیق آن ها لحظه‌ای از تلاش باز نایستاد. با آنکه میرزا فتحعلی آخوندزاده برای نشر این اثر سعی بسیار کرد ولی هیچیک از نامه‌های متعدد وی به ناشران پترزبورگ، پاریس، لندن، تهران، تبریز، استانبول، و بی‌بیلی به منظور چاپ اثر، ره به جایی نبرد. هراس ناشران از آخوندها و مجال استبداد مانع از طبع و نشر "مکتوبات کمال الدوله" بود. و وقتی که میرزا مساعی خود برای چاپ و نشر مکتوبات را بی نتیجه یافت در نامه‌ای به دوست خود میرزا ملکم خان بنیانگذار دیگر اندیشه مشروطیت و تجدید ایران، چنین نوشت: "نشر کمال الدوله برای من میسر نگردد شاید پس از صد سال اخلاف ما به چاپ این تالیف موفق بشوند!"

"مکتوبات کمال الدوله" را "خان دانش" نامید. میرزا ملکم خان ناظم الدوله از پیشگامان رنسانس فکری مشروطیت در نامه‌ای به آخوندزاده نوشت: "نسخه کمال الدوله را با شوق فراوان منتظرم." و همینطور در مورد بسیاری دیگر از متفکران آن زمان... آخوندزاده، نه تنها به یک اعتبار نخستین آغازگر جنبش تجدید طلبی در ایران به شمار می‌آید بلکه به لحاظ طرح اندیشه‌های انتقادی بی‌باک‌ترین آن‌ها هم بوده است.

اگر چه حجم اصلی کتاب "مکتوبات کمال الدوله" بیشتر به نامه‌های کمال الدوله به جلال الدوله اختصاص دارد و پاسخ انتقادی جلال الدوله به کمال الدوله تنها بخش کوچکی از کتاب را در بر می‌گیرد، با اینهمه اندیشه‌های فتحعلی آخوندزاده، تنها در ترکیب نامه (و جوابیه به آن‌ها) است که تمامیت و دقت می‌یابد. به علاوه مولف آزاد اندیش و دانش پژوه "مکتوبات کمال الدوله" با بیان نظراتش به نام دو شخص مکاتبه کننده با یکدیگر، بر آن بود تا شیوه مباحثه و نقد نظر و تحمل میتمدان فکری مخالف را ترویج دهد و از این طریق نیز بر استبداد و انحصار طلبی حاملان و حامیان وجود فکر مذهبی که بر مطلق و جاودانه بودن "اصول" پای می‌نهند و هیچ دگراندیشی را تحمل نمی‌کنند، ضربه وارد میرزا فتحعلی آخوندزاده، در اثر خویش نه فقط ذهنی و تلویحی مخالفت خود را با هر گونه دین و مذهب و هر نوع کیش و آیین بیان می‌دارد بلکه اینجا و آنجا اهمیت بودن را از خود بروز می‌دهد. او در سراسر کتاب با نام کمال الدوله به رسومات و اساسات اسلام می‌تازد؛ در مورد کیش زرتشتی هلیرقم برخی ملامت‌هایی که به آن، معتقد است که: "این پیمان و قوانین و دین، اسماء خودستان را به انجام رسانده‌اند"؛ با رانیز جز در دو سه مورد از جمله اندیشه ترقیخواهانه او مبنی بر تساوی زن و مرد و رفع حجاب از زن، شارلاتری از نوع جدید معرفی

می‌کند؛ و به نام جلال الدوله آئین مسیحی، دین یهودی و مسلک چارواک هند را زیر تازیانه تقدیمی گیرد. با این حال، آخوندزاده به مقابله یک اندیشمند رهجو و مصلح اجتماعی متکی بر واقع بینی، تمام کوشش خود را مصروف زمینه‌سازی برای ایجاد نوعی پروتستانیزم در دین اسلام و مذهب شیعه می‌کند.

آخوندزاده، خرد گراست؛ هستی و وجود را اساس می‌شناسد و روح را نیز کیفیتی از وجود تعریف می‌کند؛ هر پدیده‌ای را معلول هلتی می‌داند و خود هستی و نه در ورای طبیعت؛ همه چیز را در حال تغییر و شدن می‌بیند؛ اعتقاد و علم را "دو" تضیه مفایره" می‌شناسد که در بین این دو حق مطلق" با دانش است و خود، دانش را بر می‌گزیند و با شوق جیبی از علم، مترعات درخت علم، دستاوردهای علمی و متد و شیوه علمی تحقیق سخن می‌گوید؛ و بالاخره این فرزانة بزرگ بنحو تحسین برانگیزی با حوصله و وسواس زیاد می‌کوشد تا حتی پوچ‌ترین مرمومات را که از سوی ارتجاع و استبداد به خورد مردم داده می‌شود از طریق اثبات علمی و استدلال منطقی هاله فهم رد کند.

میرزا فتحعلی آخوندزاده در سراسر "نامه‌های کمال الدوله"، ایده وحدت وجود (پاسته‌ایسم) در برابر ایجاد کنندگان مذاهب و نان خوارهای اختلافات و تفرقه‌های دینی را می‌ستاید. او در نامه‌های خود مدام بر هستی مست بشر دوستی متفکران بزرگ ایرانی چون حافظه مولانا جلال الدین رومی، خیام، عطار، فنزالی، عرفه‌ای، محمود شبستری و غیره تاکید می‌کند. او این ابیات را از جلال رومی می‌آورد:

چونکه بی‌رنگی اسیر رنگ شد
موسوی باموسوی
در جنگ شد
چون به بی‌رنگی رسی کان
داشتی
و فرمون کردند آشتی
و از حافظ نقل می‌کند:

سوال از شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

بررسی قرار می‌گیرد با آن برخورد می‌کردند اما متأسفانه مطالب این جزوه از طریق رادیو پخش شده است. اگر نخواهیم خودمان را گول بزنیم برای شنوندگان که در ایران به آن گوش داده، مطالب منتشره به عنوان نظر سازمان تلقی می‌شود. به نظر من با توجه به تجارب تلخ گذشته، که تصمیمات نابخردانه دستگاه رهبری سابق در مورد داخل، ضربات جبران ناپذیری به سازمان ما وارد نمود. سیاست گذاری در مورد چگونگی فعالیت فدائیان در داخل کشور یکی از مهمترین مسؤلیت‌ها و وظایف دستگاه رهبری سازمان است حتی حساسیت مسئله به اندازه ایست که باید بالاترین ارگان سازمان یعنی کنگره در مورد آن تصمیم‌گیری نماید.

سؤال بنده اینست که اگر مطالب منتشره از رادیو که در

جنگ هفتاد و دو ملت را قدر بنه چون ندیدند حقیقت ره‌افسانه زدند

میرزا فتحعلی آخوندزاده با آنکه با همه وجود به نجات ایران و ایرانیان از جور استبداد و جنگ خرافات می‌اندیشید و به بزرگان می‌گفت که: "چون فرودوسی افتخار می‌کرد اما به نحو ستایش برانگیزی از خود روحیه بشردوستی و همدردی با همه ملت‌ها نشان می‌داد و پیوسته بر همکاری بین ملل تاکید می‌کرد. او ضمن خاطر نشان کردن مکرر ضرورت پیوستن ملت ایران به راهی که تمدن اروپایی در هرصده دانش و صنعت و فرهنگ در پیش گرفته، مدام بیم خود از حفظ و تداوم استبداد و خرافات دینی و عقب ماندگی مغرط به مثابه اصلی سلطه دول مقتدر اروپایی بر ایران و کشورهای مشرق زمین را بیان می‌کرد.

مطالعه "مکتوبات کمال الدوله" برای ما ایرانیان که نزدیک به صد و بیست سال پس از نگارش این اثر بزرگ و ستودنی، در چنگال استبدادی گرفتار آمدیم که از خلجان‌های مذهبی و عقب ماندگی بخشی وسیعی از مردم تغذیه کرد، به مقیاس وسیع خرافه پرستی، تحجر و وجود فکری را در کشور رواج داد و علم حکومت شرع را برافراشت،

فوق العاده ضروری است. این مرد بزرگ تجدید طلب، آزاداندیش و آزادیخواه اگر اکنون زنده بود، برای تصویر شرایط حاکم بر ایران مسلمانان را نمی‌دید که در نوشته صد و سی سال پیش خود تغییرات جدی وارد کند! با توجه به جهان کنونی و روح زمان ما، تغییرات محتمل میرزا در اثر خود عبارت می‌شد از زرفش تاسف از وضع موجود و لزوما تشدید دوجندان لحن پر خاش در نامه‌هایش و اصرار بیشتر بر طبع و چاپ اثر!

(۱) کرتیکا = انتقاد، نقد.
(۲) آدمک زهله سی گیدیر، تقریباً معادل "انسان هفتش می‌گیرد".

سوال از شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت

جزوه آمده نظر شورای مرکزی و گروه کار داخل است آن را اعلام نمایند تا ما وضعیت خودمان را مشخص کنیم. اگر چنانچه با مطالب جزوه مخالفند با توجه به اهمیت مسئله آن را از طریق نشریه به اطلاع همگان برسانند.

سکوت شورای مرکزی طی ۳ ماه پس از پخش این مطالب از رادیو و تقاضا سؤال برانگیز است.

از شما دوستان گرامی مصرانه می‌خواهم که مسئله را به طور جدی مورد پی گیری قرار دهید.

به نظر من مطالب این جزوه ضد و نقیض، پراز پریشان گوئی و اگر قلو نکرده باشم ادامه همان سیاست سازمان برپا داده گذشته است. اینجانب جداگانه مطالب این جزوه را مورد نقد و بررسی قرار خواهم داد.

با تقدیم احترام و آرزوی توفیق برایتان
جوهری ۹۱/۶/۵

رونوشت به شورای سردبیری نشریه کار برای چاپ در نشریه رونوشت به گروه کار داخل کشور رونوشت به آقای نگهدار

نگاهی به وضع تامین اجتماعی (۲)

بهر روز خلیق

کارگران ساختمانی

قیمتها هم چنان افزایش می یابد

قیمت عمده فروشی مواد خوراکی در طول یک ماه ۵/۳ درصد ترقی کرد

متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری در دوره یکساله مذکور ۹ درصد افزایش یافت. این افزایش برای شهر تهران معادل ۱۰/۵ درصد بوده است.

بانک مرکزی در گزارش دیگری تغییرات شاخص بهای عمده فروشی کالاها در اردیبهشت ماه ۷۰ اعلام کرد. طی یک ماه از فروردین تا اردیبهشت این شاخص ۲/۸ درصد افزایش یافت. شاخص بهای کالاها نسبت به اردیبهشت سال ۶۹ معادل ۲۵/۵ درصد ترقی کرد. مطابق گزارش فوق، در ماه اردیبهشت شاخص بهای گروه مواد خوراکی ۵/۳ درصد، گروه مصنوعات برحسب مواد اولیه ۱/۳ درصد، ماشین آلات و وسایل نقلیه ۵/۲ درصد، محصولات کشاورزی و دامپروری ۵/۸ درصد و مصالح ساختمانی ۱/۶ درصد نسبت به ماه قبل افزایش یافته است.

بانک مرکزی در گزارشی تغییرات شاخص بهای عمده فروشی و خرده فروشی کالاها در سال گذشته، در سطح شهرها، را اعلام داشت. بنا بر این گزارش شاخص عمده فروشی کالاها در اسفند ماه سال ۱۳۶۹ به عدد ۴۱۱/۶ (۱۰۰ = ۱۳۶۱) رسید که نسبت به ماه قبل از آن ۴/۳ و نسبت به اسفند سال ۱۳۶۸ به میزان ۳۱/۷ درصد ترقی داشته است.

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور به ۳۷۹/۹ رسید که در مقایسه با ماه قبل و اسفند سال ۶۸ به ترتیب ۱/۹ و ۱۳ درصد افزایش داشته است. افزایش این شاخص برای تهران ۲/۱ و ۱۴/۵ درصد بوده است. بنا به این گزارش، متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالاها در سال ۶۹ به عدد ۳۶۱/۷ رسید که در مقایسه با سال ۶۸ معادل ۲۳/۹ درصد افزایش یافت.

کلان به بودجه نظامی و بالتجیه کاهش طرح های عمرانی با مشکل کود فعالیت های ساختمانی و بالتجیه بیکاری روبرو هستند و از سوی دیگر با تورم فزاینده با افزایش هزینه زندگی دست به گریبانند.

اقدامی در زمینه بهبود وضع کارگران ساختمانی و تامین اجتماعی آنها به عمل نیاورده است، بلکه این دسته از کارگران از یک سو به علت صرف بخش اعظم بودجه دولت در میدان های جنگ و تخصیص منابع

کارگران ساختمانی به لحاظ محل زندگی نیز به هیچ وجه تامین نیستند. بخشی از آنها در بیفوله ها و جلی آبادها زندگی می کنند. آن دسته از کارگران نیز که موفق می شوند در شرکت های ساختمانی و راه سازی کار پیدا کنند اکثرا مجبور می شوند از محل زندگی و از خانواده خویش دور شوند، آنها غالباً در قهوه خانه ها و مسافرخانه ها و یا در اتاقک ها، آلوکها و کانتینرهای نزدیک محل کار ساکن می شوند. این دسته از کارگران در محل های کار از کمترین تسهیلات بهداشتی و رفاهی برخوردارند و اکثرا مجبورند که مایحتاج روزانه خود را نیز، به قیمت های گزاف از بازار آزاد تهیه کنند. آنها از استفاده از کوپن جیره بندی اوراق عمومی محروم می شوند.

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم وعده و وعده هایی که در ابتدای انقلاب در مورد بهبود وضع زحمتکشان کشور و حمایت از کوخ نشینان می داد، نه تنها

پروژه های عمرانی دولت در طی جنگ ایران و عراق، امکانات اشتغال را در این بخش پایین آورد. در این سالها میادین تهران و شهرهای دیگر شاهد صحنه های ناگواری بودند که تلاش کارگران ساختمانی را برای کارهایی که در حقیقت نوعی "تتازع بقا" است، نشان می داد. در میادین کار بویژه زمانی که فعالیت ساختمانی راکد است، انبوه کارگران جویای کار دیده می شوند. هنگامی که یک نفر متقاضی کارگر ساختمانی به میدان کار و محل تجمع جویندگان کار مراجعه می کند، جمعیت انبوهی هجوم می آورند که برای چند روز هم شده کاری گیر بیآورند. متقاضی در مقابل انبوه نیروی کار کسانی را برمیگزیند که بازوی قوی و بدنی مساعد دارند. در نتیجه کارگران ساختمانی به رقابت فشرده ای برمی خیزند تا شاید نظر صاحب کار را جلب کنند و بدین وسیله

مزینه هفتگی خانواده شان را تامین کنند.

چند ماهی از سال را کار کنند و از محل درآمد ناچیز خود هزینه خانواده شان را در طی یک سال تامین نمایند.

کارگران ساختمانی رقم درشتی از نیروی کار کشور را تشکیل می دهند. بر طبق سرشماری سال ۶۵ این رقم به حدود یک میلیون و دویست هزار نفر می رسد. کارگران بخش ساختمانی شامل انواع مختلف گروه ها، رشته ها و حرفه ها است که از کارگر ساده ساختمانی گرفته تا نقاش، بنا، نجار، آرماتوربند و لوله کش و غیره را در برمی گیرد که عمدتاً در کارهای خانه سازی، راه سازی و احداث ساختمان مشغولند. این دسته از کارگران به لحاظ ایمنی کار و تامین اجتماعی در بدترین شرایط قرار دارند. آنها اکثراً در گرمای آفتاب، باد و باران و در محیط غیر بهداشتی کار می کنند و از تسهیلات اولیه زندگی در جوار کار، امکانات ضرور حفاظت و ایمنی کار به علاوه در این بخش اکثراً از روشها و تکنیک های عقب مانده استفاده می شود که باعث فرسودگی و از کار افتادگی سریع کارگران ساختمان می شود. به همین جهت در مقایسه با بخش های دیگر کاری، بخش ساختمان با میزان به مراتب بیشتری از حوادث و سوانح ناشی از کار و ضایعه مرگ روبرو است. آمارهای منتشره و اخبار و حوادث مندرج در روزنامه ها این مسئله را نشان میدهد.

کارگران ساختمانی بیمه بیکاری نیستند. در حالیکه فصلی بودن و موقتی بودن کار، این امر را الزامی می سازد. ولی در کشور ما فعلاً چنین تاملینی وجود ندارد. آنان در بقیه روزهای سال ناگزیر بیکار و سرگردانند و یا به کارهای دیگر موقتی نظیر دستفروشی، سیگار فروشی، ماشین شویی، برف پاروکنی و غیره روی می آورند. با این وجود، مشکل بیکاری این قشر از کارگران را در چنگان خود می فشارد. رکود کارهای ساختمانی، تعطیل

بنایی ۵۷ ساله که مستاصل و درمانده شده است، بعد از ناامیدی از مراجعه به ارگان های مختلف درددلش را با روزنامه کیهان در میان گذاشته است: "بر اثر آب مروارید، ۴ ماه قبل چشمم را در بیمارستان دولتی عمل جراحی کردم و پزشک معالج مرا از پرداختن به کارهای سنگین و پر زحمت منع کرده و گواهی داده است که از این پس قادر به کار بدنی سنگین نیستم، به همین جهت تنها منبع معاش خود را که یمین و هرق جبین بود در ایام کسولت از دست داده و هیچ منبع درآمد دیگری ندارم. و از طرفی به علت داشتن شغل بنایی بیمه بازنشستگی و از کار افتادگی هم نیستم و پس اندازی هم ندارم که در این دوران از آن استفاده کنم یا آن را سرمایه یک شغل آزاد کنم و چند صباحی با آن نان بخورم. گدایی را هم دوست ندارم و میخواهم تا زنده هستم عزت نفس و هرق کاری خود را حفظ کنم و حالا نمی دانم به چه کسی چه ارگانی رجوع کنم که...". (روزنامه کیهان ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰)

نظیر این بنای لیلی و از کار افتاده که به سرتوشت نکبتار و درد آفرین دچار میشوند، در جامعه ما فراوانند. اکثر کارگران ساختمانی سرتوشتی مشابه این بنا دارند. آنها اکثراً بیمه نیستند و نمیتوانند از حداقل تسهیلات بیمه ای در مورد بیماری، از کار افتادگی، بازنشستگی و غیره بهره مند شوند. بیماری و پیری برای این گروه از کارگران که عمری را در کار طاقت فرسای سبزی کرده اند، به منزله درآمد و فلاکت بیشتر و گناه آفاق ناجحه است.

کارگران ساختمانی بخشی از ائتلاف زحمتکش و نیروی کار جامعه هستند. در حالیکه آنان غالباً به کار طاقت فرسا مشغولند از ابتدایی ترین امکانات و تسهیلات مربوط به کار و زندگی محرومند. این دسته از کارگران بنا به طبیعت کار و حرفه اشان مجبورند فقط

سالمندان

رجر می کشند. سالمندان اکثراً قادر نیستند نیازهای مالی خود و اطرافیان شان را پاسخگو باشند و در موارد زیادی حتی هزینه های درمان خود را نمی توانند تامین کنند.

بخش وسیعی از سالمندان کشور تحت پوشش بیمه بازنشستگی قرار ندارند. مطابق آمار های موجود در سال ۱۳۶۸ تعداد تامین اجتماعی حدود ۱۴۴ هزار نفر بوده است. صندوق بازنشستگی کشوری نیز در همین سال تریب به ۲۷۳ هزار بازنشسته را تحت پوشش خود داشته است. یعنی در مجموع حدود ۴۱۷ هزار نفر اگر

بازنشستگان لشگری را نیز حدود ۵۰ هزار نفر حساب کنیم جمعیت بازنشستگانی که از درآمد بازنشستگی بهره میگیرند به حدود ۴۷۰ هزار نفر میرسد یعنی نزدیک به یک میلیون و ۸۸۰ هزار نفر از سالمندان جامعه ما (بالای ۶۰ سال) تحت پوشش بیمه بازنشستگی قرار ندارند. آنها عمدتاً در سال های آخر عمر مجبورند از نظر مالی به فرزندان خود متکی شوند.

سالمندان طیف نسبتاً وسیعی از جامعه ما هستند. عده آنها بارشده شتابان جمعیت کشور افزایش مییابد. آمار نشان می دهد که از سال ۱۳۳۵ تاکنون جمعیت سالمندان در کشور ۳ برابر شده است. سالمندان نیاز شدید به مراقبت و تامین اجتماعی دارند. آنها عمری را با تلاش و زحمت گذرانده اند و به سنی پا گذاشته اند که اغلب قادر نیستند با کار خود زندگی اشان را بگذرانند. در جامعه ما سالخوردهگان از احترام و اعتبار خاصی برخوردارند ولی آنان از عدم تامین رنج می برند و از "دست تنگ بودن" و پایین بودن درآمد بیشتر از سایرین

قیمت کالاها و خدمات و اجاره مسکن در رنج و هذابند. بر طبق آمارهای ارائه شده میانگین حقوق ماهانه بازنشستگان کشوری در سال ۶۸ رقمی حدود ۴۴۰۰ تومان بود. با اضافه شدن هزار تومان به پایه حقوق بازنشستگی میانگین آن فعلاً به ۵۵۰۰ تومان رسیده است. این مبلغ با توجه به تورم و بالا رفتن هزینه های زندگی کم حتی در مواردی نمی تواند نیازهای ابتدایی بازنشسته ها را تامین کند.

یکی از معلمین بازنشسته در همین مورد می گوید: "دولت از اول سال ۶۹ مبلغ هزار تومان به حقوق معلمان بازنشسته اضافه کرد و این در حالی است که کرایه منازل نسبت به چند سال قبل دو برابر و نیم شده و همین طور قیمت اجناس و کرایه حمل و نقل افزایش یافته است و معلمان بازنشسته که همه عمر زندگیشان از حقوق بازنشستگی می گذرد نه تنها وضع بهتری پیدا نکرده اند

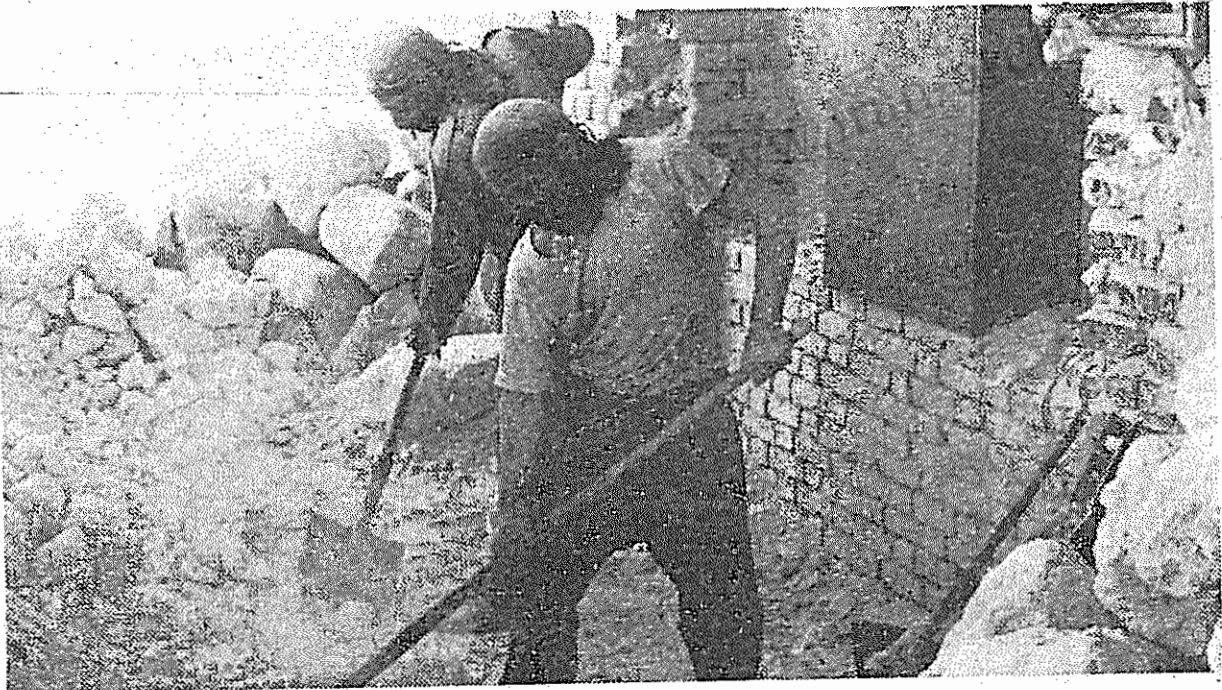
بلکه کسری درآمدشان از ۳ سال قبل نیز بیشتر شده است." (روزنامه کیهان ۲۰ خرداد ۱۳۷۰). یکی از بازنشستگان به خبرنگار کیهان می گوید: "... بازنشستگی برای همه است. همه از مدیران کل گرفته تا پایین ترین رده های سازمانی، هر تصمیمی که هر مسئولی برای بازنشستگی بگیرد در واقع اگر جامعه ای به مقوله بازنشستگی بی توجهی کند در واقع به مفهوم این است که به آینده خود بی اعتنا است." او اضافه می کند: "بازنشسته داماد دارد، عروس دارد، نوه های بزرگ و کوچک دارد، پیش سرو همسر آبرو دار است. چرا باید وضعی پیش آید که جلوی همه خجالت بکشد." یکی دیگر از بازنشسته ها کارت بازنشستگی اش را به خبرنگار کیهان نشان می دهد و می گوید: "ببینید حقوق من چقدر است؟"

روی کارت ۳۸۰۰ تومان نوشته شده است. او می گوید: "۳۰ سال

خدمت و کار که نباید پاداش مادی اش این باشد؟" (کیهان ۲۷ خرداد ماه ۷۰)

این وضع موجب شده است که بازنشسته ها به فکر پیدا کردن کار بیفتند. برخی از آنها به شغل قبلی برمی گردند و برخی دیگر سرمایه اندکی را جمع می کنند با آن شغل جدیدی دست و پا می کنند. بخش دیگری به کارهایی نظیر دستفروشی و سیگار فروشی روی می آورند. عده زیادی از بازنشستگان پس از سی سال فعالیت مستمر به علت درآمد کم و هزینه های بالای زندگی قادر نمیشوند خانه بخرند. به همین خاطر بسیاری از بازنشسته ها با مشکل مسکن روبرو هستند. آنها با حقوق ناچیز بازنشستگی مجبورند اجاره خانه را بپردازند که این امر فشار مضاعفی را بر سالمندان وارد می سازد.

سالمندان کشور ما از جهات مختلف تحت فشارند و از تامین اجتماعی لازم برخوردار نیستند.



کوبا: نیاز به تحولات، اما چه تحولاتی؟

روزنامه پراودا - ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۱

کوبا اکنون یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ ۳۲ ساله بعد از انقلاب را می‌گذراند. تمام کارشناسان در مورد ضرورت و خصوصیت و امکان رفرم با مدیر بحث می‌کنند. دیگران بخصوص آمریکائیان پیش‌بینی می‌کنند که بزودی سیستم شکست می‌خورد و آنها بنا به دلخواه خود سیستم جدیدی را می‌سازند. "کارلوس آلدانا" یکی از رهبران حزبی کوبا معتقد است که: "نقطه‌کوبایی‌ها و نه هیچکس خارج از جزیره" بایستی در مورد ضرورت تحولات و آتم چه تحولاتی، تصمیم بگیرند. بحث‌های اصلی و مفصل در مورد این مساله در کنگره چهارم حزب کمونیست کوبا صورت خواهد گرفت. ما با کارلوس آلدانا که رهبری یک هیئت رسمی را به عهده داشت و بنا به دعوت حزب کمونیست شوروی به مسکو آمده بود مصاحبه‌ای داشتیم:

س: عکس‌العمل مختلف محافل سیاسی جهان باعث شد که زمان کنگره به تعویق بیفتد. ناظرین غربی به عنوان مثال می‌گویند که در حزب و کشور تضاد وجود دارد. چقدر این مساله با واقعیت انطباق دارد و چه رابطه‌ای با این تغییر و تحولات دارد؟
ج: شایعات بی‌اساس در این رابطه زیاد است. ولی به شما اطمینان می‌دهم که هیچگونه دلایل سیاسی یا تضاد درونی وجود ندارد. در ابتدا ما فکر کردیم که کنگره را در نیمه اول همین سال برگزار کنیم. ولی موانعی... نظیر بازیهای پان آمریکن که قرار شد در آگوست برگزار شود پیش روی ما وجود داشت. حتی هر کشور آمریکای لاتینی است که هر ۲۰ سال یکبار آن را برگزار کند. کوبا با توجه به وضعیت سخت اقتصادی برای برگزاری این جشن امکانات زیادی اختصاص داد. به این خاطر ما کنگره را به پاییز انداختیم.

کنگره در دهم اکتبر در شهر سانتیاگو - د - کوبا - برگزار میشود و در ماه ژوئیه انتخابات کاندیداها و نمایندگان صورت خواهد گرفت. ما حساب می‌کنیم که ۱۸۰۰ نماینده انتخاب خواهیم شد، که از آنها یک سوم به طور مستقیم از جلسات و سازمان‌های اولیه حزبی می‌آیند. بنابراین با اطمینان میتوان گفت که اکثریت در کنگره با اعضای سازمان‌های اولیه حزبی و کلکتیوهای کاری است. مجمعی که ما می‌گذاریم در شرایط بسیار ساده، بدون صرف هزینه‌های اضافی و بی‌تجمل برگزار می‌شود. ما خود را برای یک کار جدی و مهم آماده می‌کنیم.
س: نمایندگان در مورد چه مسایل مهمی بحث می‌کنند؟

ج: ما پروسه "اصلاح اشتباهات" را که از پایان ۱۹۸۵ آغاز شده است تجزیه و تحلیل می‌کنیم. در شرایط رشد جامعه وجود پدیده‌های منفی اجتناب‌ناپذیر است. در درجه اول در بخش اقتصاد که بیش از ۵ سال است ما تلاش می‌کنیم آنها را اصلاح کنیم ولی هنوز موفق نشده‌ایم. اکنون زمان آن فرارسیده است که بحث شود چه کارهایی صورت گرفته و چه کارهایی انجام نشده است. از طرف دیگر تمایلات و خواسته‌های کمونیست‌ها و مردم در جریان کنگره مورد بررسی قرار می‌گیرد که اینها هم‌مدتاً شامل ساختمان حزبی، استحکام سازمان‌های دولتی و ادامه دگرگراسی در حزب می‌باشد.
مهمترین مساله‌ای که نمی‌توان نادیده گرفت وضعیت اقتصادی است.

مشخص است وضعیت اقتصادی کوبا در نتیجه کم شدن مواد کمی شوروی به کوبا تحویل میدادند تر شده است. اکنون این مساله به مقدار زیادی مربوط به آن است که متخصصین، سازمان‌های اقتصادی و رهبران سیاسی هر دو کشور ممدیگر را درک کنند و بتوانند در دوران گذار فرم‌های جدید همکاری را کشف کنند. ما اینها را مورد بررسی قرار می‌دهیم که چه نتایج موفقیت‌آمیز و رضایت‌بخشی به همراه دارند. ولی مشکلات همچنان وجود دارند. در شوروی ما می‌بینیم که موسسات، شرکت‌ها، سازمان‌های مختلف، در رابطه با پذیرش مسئولیت مشخص، دلایل و مشکلات داخلی را مطرح می‌کنند. جایی که تلاش فراوان می‌شود ولی سیستم اقتصادی از حرکت باز می‌ماند، و سیستم جدید هم فعلا وجود ندارد. بنابراین این وضعیت روی ما هم بی‌تأثیر نشمارد و ما می‌آورد. طبیعی است که ما در کنگره نمیتوانیم روی این مسایل بحث نکنیم. لازم است که یک راه عملی برای اکنون و سال‌های آینده تدوین شود. ما احتیاج داریم در مورد وضعیت ویژه جهان در حال صلح صحبت کنیم.
س: "نجات کشور - اولین وظیفه ماست" (این جمله را) رهبران سیاسی و دولتی کوبا با فعالین "شوراهای کمونیست‌های جوان" مطرح کردند.

چه کسی یا چگونه کشور را مورد تعدد قرار میدهد؟
ج: ما می‌گوییم: "وطن را نجات دهیم - انقلاب را نجات دهیم" چونکه ما مرتب احساس خطر می‌کنیم. جامعه اقتصادی در حال وقوع است. یعنی اینکه هم اکنون باید انقلاب را نجات داد. کشور باید خود را برای قطع احتمالی کمک‌های شوروی آماده کند. (فعلا این یک احتمال است. اگر چه این یک واقعیت تلخی است و ما امیدواریم که این اتفاق نیفتد). ما خود را برای شرایط سخت‌تر آماده می‌کنیم. کافی است فقط تحویل نفت قطع شود، تمام اقتصاد ما از حرکت باز می‌ماند. به همین خاطر لازم است بیاموزیم که کاملاً از تمام امکانات و ثروت استفاده کنیم. در این رابطه ما حق نداریم در مان، آموزش و پرورش را فراموش کرده و از برنامه‌های استراتژیکی رشد امتناع کنیم.

س: زمان دراز است که هیئتی رسمی از کمونیست‌های کوبایی به شوروی مسافرت نکرده‌اند. این مساله به چه معنی است؟ اکنون مناسبات شما با حزب کمونیست شوروی چگونه است؟

ج: حق با شماست. در دو یا سه سال گذشته رهبران مختلف دولتی و حزبی شوروی به کوبا آمدند. مادر رابطه با مناسبات رسمی بدهکار هستیم. کارهای زیادی صورت گرفته. مسایل زیادی هم در کوبا و هم در شوروی وجود دارد. به این منظور ما بدنبال بهترین راه برای حل مسایل بودیم، و اکنون زمان آن فرارسیده است. صحبت‌های مادر مسکو در فضای باز، دوستانه و صادقانه صورت گرفته است. فضایی مملو از اعتماد متقابل و احترام، که از خصوصیت‌های حزب کمونیست شوروی و کمونیست‌های شوروی است. ما، وضعیت شوروی، نیاز به تغییر و تحول و خودآگاهی آن را درک می‌کنیم. از طرف دیگر ما به تصمیمات رهبران شوروی و همه مسایلی که از طرف مردم مطرح می‌شود احترام می‌گذاریم. ما به پتانسیل اخلاقی، ایدئولوژی کمونیست‌ها و جامعه شوروی ایمان داریم. ما می‌خواهیم شوروی را پر قدرت ببینیم و ببینیم که نقش مهمی در تامین و تثبیت صلح و حل مسایل مجرم انسانی ایفا می‌کند.

ما واقعاً را که در شوروی اتفاق می‌افتد با دقت دنبال می‌کنیم. راستش را بخواهید بعضی موارد دلایل واقعی گرایشها، انگیزه‌ها و تصمیماتی که اتخاذ میشود برای ما قابل درک نیست. ممکن است برای درک این مسایل ما احتیاج به رابطه تنگاتنگ بیشتری داشته باشیم. اوضاعی که در شوروی وجود دارد برای کوبایی‌ها جالب است. آخر ۳۰ سال قبل ما سر نوشت خود را با شما پیوند زده بودیم. البته این به آن معنی نیست که کوبا هم به همان راهی که شوروی می‌رود، خواهد رفت. هر کشوری در رابطه با واقعیت‌های تاریخی مشخصی مسایلش را حل و فصل می‌کند.

س: اکنون در جهان همه دائماً از بحران سوسیالیسم صحبت می‌کنند. نظر حزب کمونیست کوبا در رابطه با این مسایل چیست؟
ج: ما فکر می‌کنیم که در دوران گذار زندگی می‌کنیم. فعلاً رزایی مشکل است.
باید عملکردها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. کشورهای سوسیالیستی یا رهبری احزاب کمونیست وجود داشتند. اکنون آنها کاملاً سمت گیری خود را تغییر داده‌اند.

اگر مسایل مهم و گلوبال بوجود بیایند، شوروی اولین کسی است که نقش مهمی بازی می‌کند. مثال روشن دیگری بزیم - اگر این مسایل با منافع ژئوپلیتیکی قرب و در شیوه نوین فکر کند؟ وقتی گارباچف در هاوانا بود، ما در این مورد گفتگو کردیم و کاملاً با او موافق بودیم. ما فکر می‌کنیم که نه سوسیالیسم به مثابه آلترناتیو تاریخی و نه دیدگاه مارکسیستی، دچار بحران نیستند، بلکه تجربه تاریخی لازم است و باید مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد باید خلصتهای عمومی سوسیالیسم را در نظر گرفت، همراه با خصوصیات ملی آن. به عنوان مثال، ما در مورد سوسیالیسم کوبایی صحبت می‌کنیم نه به مثابه مدل عمومی، بلکه به مثابه تجربه خاص که فقط در کشور ما وجود دارد. ما هیچگاه تجربه خود را به هیچ کشوری تحمیل نمی‌کنیم و خود نیز کورکورانه هیچ تجربه‌ای را قبول نمی‌کنیم. نغی یکبار همه تجارب و در سبای آنها اشتباه است. مرتب به ما توصیه‌های مختلفی می‌شود که اگر به آنها عمل می‌شد، تاکنون انقلاب کوبا به پایان رسیده بود...

س: رفیق آلدانا! باز گردیم به مسایل کوبا. در مورد مسایل رفرم و تغییرات، نه تنها کشورهای دیگر، بلکه

رهبران خود کوبا هم صحبت می‌کنند. در مورد چه تغییر و تحولاتی صحبت می‌شود؟
ج: ما فکر می‌کنیم آنچه تغییراتی لازم است که ما را رشد دهد و همچنین به در جاتی، فشارهای خارجی را کم کند. از جمله از طرف ایالات متحده آمریکا و ضد انقلابیونی که در آنجا زندگی می‌کنند. بیایید در مورد واقعیت‌های کشور ما صحبت کنیم. انقلاب کوبا در یک کشور "جهان سوم" اتفاق افتاد. یعنی یک کشور در حال رشد با اقتصاد وابسته و منابع انرژی کم. در پروسه ساختمان سوسیالیسم، ما امکانات زیادی بدست آوردیم. مهمترین اشتباه ما این بوده که تجربه شوروی را برای خود ایده آل کردیم و بطور مکانیکی مدل شوروی را کپی برداری نمودیم. بخصوص در بخش مسایل اقتصادی و برنامه ریزی آن. سیستم اداری فرماندهی که در شوروی وجود داشت در کوبا هنوز از بین نرفته است. این جلوی رشد ما را گرفت. ما اکنون تلاش می‌کنیم مدل‌های جدید رشد اقتصادی را پیدا کنیم. رهبران کوبا هلیرفم اینکه سیستم اداری خشن و از بالا پاسخگوی نیازهای رشد مانیست و دارای نقایص فراوان است، در مقابل آن انصاف بخرج دادند، آنرا کنار گذاشتند و سیستم جدیدی هم بوجود نیاوردند. ما ماندیم دست خالی. نیدل این سیستم را به مادیان پیری تشبیه کرد که بار چوب زیادی حمل میکند، با اینحال ما هم رویش سوار شده ایم. ما احتیاج به زمان داریم. برای برداشتن هر گام باید همه عملکردهای سیاسی و اجتماعی را مورد بررسی دقیق قرار دهیم. مدل جدید رشد نباید باعث بیگاری شود. ایده عدالت اجتماعی که انقلاب ما به خاطر آن پیروز شد و مقاومت نشان داد باید بدختری های سرمایه داری جور در نمی‌آید. ما انقلاب را بخاطر این انجام نداده ایم که دوباره به گذشته باز گردیم.

تغییر و تحولات یقیناً باید بهره دهی و پروسه اجتماعی شدن را تقویت کند. ممکن است مرا به محافظه کاری متهم کنید ولی برای ما کوبایی‌ها هیچ چیز مهم تر از مالکیت اجتماعی و برنامه ریزی متمرکز، البته با وسایل فنی جدید، وجود ندارد. ما معتقدیم که سوسیالیسم باید دقیق و عادلانه برای رشد جامعه برنامه ریزی داشته باشد. با اینحال این به آن معنی نیست که بازار به‌مثابه عنصر مهم اقتصادی نفی شود. ما تأیید نمی‌کنیم که حتماً باید سیستم تک حزبی باشد ولی ما در مورد کوبایی‌های فعلی صحبت می‌کنیم. در کشور ما سیستم چند حزبی فقط یک معنی میدهد و آن اینکه به آمریکا و ضد انقلابیون هدیه داده شود. چیزی که آنها با اسلحه و شمشیر نتوانستند بدست آورند. از طرف ما این اشتباه ترین گام است. با سیستم چند حزبی، احزاب آمریکایی، خرده

تغییر و تحولات یقیناً باید بهره دهی و پروسه اجتماعی شدن را تقویت کند. ممکن است مرا به محافظه کاری متهم کنید ولی برای ما کوبایی‌ها هیچ چیز مهم تر از مالکیت اجتماعی و برنامه ریزی متمرکز، البته با وسایل فنی جدید، وجود ندارد. ما معتقدیم که سوسیالیسم باید دقیق و عادلانه برای رشد جامعه برنامه ریزی داشته باشد. با اینحال این به آن معنی نیست که بازار به‌مثابه عنصر مهم اقتصادی نفی شود. ما تأیید نمی‌کنیم که حتماً باید سیستم تک حزبی باشد ولی ما در مورد کوبایی‌های فعلی صحبت می‌کنیم. در کشور ما سیستم چند حزبی فقط یک معنی میدهد و آن اینکه به آمریکا و ضد انقلابیون هدیه داده شود. چیزی که آنها با اسلحه و شمشیر نتوانستند بدست آورند. از طرف ما این اشتباه ترین گام است. با سیستم چند حزبی، احزاب آمریکایی، خرده

ایران روبه ویرانی است

بتیّه از صفحه ۳

از کل جمعیت (زیر خلف فقر قرار دارند. بخش‌های هر چه وسیع تر مردم در شمار کسانی قرار می‌گیرند که هزینه‌هایشان کفاف درآمدهایشان را نمی‌دهد و به فروش وسایل خانه و زندگی خود می‌پردازند.
به شاخص‌های فوق باید مداوم رکود اقتصادی، گسترده‌گی بیش از حد بخش خدمات، دوگانگی شدید ساختار اقتصادی، وابستگی یک جانبه تولید به خارج، وابستگی یک جانبه مصرف به خارج را افزود تا وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی آشکار تر شود. با توجه به این واقعیت است که این نظر در میان کارشناسان اقتصادی رژیم نیز با قوت بیشتری طرح می‌گردد که اقتصاد ایران از سال ۱۳۶۵ وارد یک بحران همیق و همه جانبه شده است.

شمشیر چوبین بر نامه ۵ ساله
حتی متخصصین اقتصادی رژیم نیز، آنجا که نه از تبلیغات به قصد دلخوش ساختن مردم، بلکه از بررسی واقعیات سخن در میان است، بر نامه ۵ ساله رفسنجانی را فاقد مشخصه‌های لازم برای برون رفت از این بحران می‌دانند. در حالیکه اقتصاد ایران در بحرانی همه جانبه رورفته، برنامه ۵ ساله با تعیین اهدافی بلند پروازانه و بشدت قیرواقعی تنها عدم درک طراحان و مجریان آن را از مشکلات عظیم اقتصادی به نمایش نهاده است.

به عنوان نمونه در حالیکه تولید ناخالص داخلی، بخش صنعت، صنایع سرمایه‌ای و تولید سرانه طی دوره قبل از برنامه ۵ ساله از رشد سالانه منفی به ترتیب معادل ۱/۳ - درصد، ۷/۲ - درصد، ۱۵ - درصد و ۴/۵ - درصد برخوردار بوده‌اند، مطابق داده‌های برنامه ۵ ساله (۷۲-۱۳۶۸) رشد سالانه آنها باید به ترتیب به ۸ درصد، ۱۴/۲ درصد، ۲۴ درصد و ۴/۸ درصد برسد. ارزیابی از دوساله نخست برنامه، سرنوشت ۳ سال باقیمانده را نیز از هم اکنون آشکار می‌سازد.

بورژوازی و ضد انقلابیون مانند قارچ رشد میکنند. جنبشهای سیاسی دیگر، بغیر از کمونیستها، در کوبایی قبل از انقلاب وجود نداشتند. حزب ما نظرش این نیست که چند حزبی نباید باشد، ولی ما از وجود آمدن جریانهای سیاسی و نیروهای اجتماعی که ادعای حکومت دارند چشم پوشی نمی‌کنیم.
ما تلاش خواهیم کرد آنگونه تک حزبی را رشد دهیم که هر بار دموکراتیزه تر شود. در درجه اول خود حزب ما احتیاج به تغییر و تحول دارد. تکامل حزب، دموکراتیسم سانترالیسم و دموکراتیزه کردن سوسیالیسم از نظر ما ضروری است و باید راههای مشخص این تحولات را کشف کرد.

سه زبان دیگر، شما آماده هستید که تحولات سیاسی بار فرم را با حفظ حکومت انجام دهید...
ج: اتفاقاً در کوبا، حزب هیچگاه روی ارگانهای انتخابی و مردمی فشار وارد نکرد و ما هیچگاه یک کاندید مثل شوروی نداشتیم. در کوبا، کاندیداها را مردم انتخاب می‌کنند و نه حزب. اگر اکثریت مردم به ضد انقلابیون رای می‌دادند، تا کنون آنها به سادگی به حکومت رسیده بودند. تغییرات در کشور باید بین دموکراتهای انقلابی و مردم پیوند بیشتری به وجود آورد و هر چه بیشتر خلصتهای سوسیالیستی را قوی کند. من نمی‌گویم که در کوبا ناراضی و حتی ناامیدی وجود ندارد. ولی مخالفین انقلاب و سوسیالیسم در خارج از کشور هستند. اگر واشنگتن می‌خواهد رابطه عادی با کوبا داشته باشد، در درجه اول باید جلوی جنایتکاران بین‌المللی را بگیرد. در شرایط فعلی محاصره اقتصادی، تعدید و شانناژ که از طرف آمریکا نسبت به کوبا اعمال می‌شود. مذاکره مشکل است.

چگونه می‌توان برای احزاب سیاسی و دیگر جریانات، در شرایطی که در آمریکا هستند، امکاناتی فراهم کرد؟

در کوبا نیروهای سیاسی و اجتماعی وجود ندارند که خواهان تغییرات ضد سوسیالیستی باشند. ما خود خواهان تغییر و تحول هستیم. حال این تغییرات چگونه تغییراتی هستند، خود کوبایی‌ها باید در این مورد تصمیم بگیرند و نه هیچ کس غیر از جزیره کوبا. پرسیرویکا، وضعیت جدید در کشورهای اروپای شرقی، بحران عمومی سوسیالیسم به طور کلی ما را وادار به این کار کردند.

مصاحبه‌گر: نیو استروین
مترجم: بم، شفیغ

دیدار بوش از شوروی



گارباجف و بوش پس از امضای قرارداد استارت

کرد. آنها به کسانی که از یک ناسیونالیسم انتحاری مبتنی بر تنفر قومی پیروی می‌کنند، کمک نخواهند کرد.

کسانی که بدنبال استقلال اند تا یک حکومت خودکامه متعلق به گذشته‌های دور را با یک استبداد محلی عوض کنند، حمایت نخواهد

اقتصادی به جای دنبال کردن راه ناامید کننده انزوا تلفیق کنند. آزادی، همان استقلال نیست. بوش افزود: "امریکایی‌ها از

مذاکرات آتی خودداری کرد. بوش طی دیدار از مسکو، با سرمایه‌داران خصوصی شوروی ملاقات کرد. وی در این ملاقات، دولت شوروی را ترخواند تحول اقتصاد برنامهریزی دولتی شوروی به اقتصاد بازار را بدون وقفه به پیش براند. بوش مدعی شد سرمایه‌داری به سبک آمریکایی قادر است تنفس‌های تروشگاه‌های شوروی را پر کند و شرایطی بسازد که در آن کارگران نیز بتوانند میلیونر شوند. بوش گفت نباید هرگز را که در اقتصاد آزاد موفق می‌شود، با برچسب زدن بورس‌باز و استثمارگر محکوم کرد.

جرج بوش از مسکو به کیف پایتخت اوکراین رفت. وی در دیدار از کیف طی نطقی در برابر پارلمان اوکراین، خواهان حفظ وحدت شوروی شد و از جمهوری اوکراین خواست از قرارداد جدید اتحاد که به ابتکار گارباجف تهیه شده است، حمایت کند. بوش گفت قرارداد اتحاد، این امید را ایجاد میکند که "جمهوری‌ها خودمختاری بیشتر را با افزایش همکاری داوطلبانه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اطلاعات بیشتر در مورد

خاورمیانه قطع شده، دوباره برقرار کند.

مراسم امضای قرارداد استارت، نقطه اوج اجلاس سران دو کشور در مسکو بود. قرارداد استارت که متن آن بالغ بر ۶۰۰ صفحه است، آمریکا را متعهد می‌کند شمار کلاهک‌های اتمی خود برای سلاح‌های دوربرد را از ۱۲ هزار به ۹ هزار کاهش دهد. در مقابل، شوروی باید زرادخانه مشابه خود را از یازده هزار به هفت هزار کلاهک کاهش دهد. بدین ترتیب، تعداد کلاهک‌های سلاح‌های استراتژیک دو طرف تقریباً برابر با تعداد آن در هنگام آغاز مذاکرات استارت در سال ۱۹۸۲ خواهد بود.

بوش در مراسم امضای قرارداد استارت گفت با امضای این قرارداد، چرخش روند ۵۰ ساله گسترش زرادخانه‌های استراتژیک، آغاز می‌شود. گارباجف، امضای قرارداد را یک رویداد تاریخی خواند. سخنگوی رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد در پایان سال جاری مذاکرات خلع سلاح آمریکا و شوروی ادامه خواهد یافت. وی از دادن اطلاعات بیشتر در مورد

بقیه از نسخه اول

می‌تواند به یک صلح عادلانه و پایدار و حل همه‌جانبه مسئله خاورمیانه بیانجامد. بوش افزود مسکو و واشنگتن در صددند از شرکت‌کنندگان در کنفرانس صلح خاورمیانه، ده روز پیش از موعد برگزاری کنفرانس، دعوت به عمل آورند.

بدنبال توافق بوش و گارباجف، جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا از مسکو به اسرائیل رفت تا دولت این کشور را به شرکت در کنفرانس صلح فراخواند. در پاسخ به دعوت بیکر، شامیر نخست‌وزیر اسرائیل گفت کشورش در کنفرانس صلح شرکت می‌کند، اما بلافاصله افزود که اعضای هیات نمایندگی فلسطینی‌ها در کنفرانس نباید اهل شرق بیت‌المقدس یا عضو سازمان آزادیبخش فلسطین باشند.

الکساندر بسمرتنیخ وزیر خارجه شوروی پس از ملاقات روسای جمهور آمریکا و شوروی در مسکو طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد بزودی عازم بیت‌المقدس خواهد شد تا بناسبات دیپلماتیک شوروی و اسرائیل را که طی جنگ ۱۹۶۷

شرایط اسرائیل برای شرکت در کنفرانس صلح

نباید اجازه تماس با رهبری ساف در تونس را بیابند. علاوه بر این دولت اسرائیل از آمریکا خواسته است که اعتبار سه سند را اکتباطصمیم کند: ۱- نامه جerald فورد رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۷۵ مبنی بر تعهد در نظر گرفتن منافع امنیت اسرائیل در حل مساله بلندیهای جولان ۲- قرارداد ۱۹۷۸ کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل ۳- قرارداد ۱۹۸۳ میان لبنان و اسرائیل که در آن "نوار امنیتی" اسرائیل در جنوب لبنان به رسمیت شناخته شده است.

۳- اعضای هیات نباید از فلسطینی‌های تبعیدی باشند. ۴- اعضای هیات نباید از آندسته‌های مناطق اشغالی باشند که از سوی اسرائیل اخراج شده‌اند. ۵- نمایندگان فلسطینی باید تنها در چارچوب هیات مشترک با اردن اظهار وجود کنند؛ برای این هیات تنها باید پرچم اردن برافراشته شود؛ ریاست هیات باید برعهده یک اردنی باشد؛ مسئله بیت‌المقدس و حق بازگشت فلسطینی‌های تبعیدی به هیچ وجه نباید هنگام کنفرانس مطرح شود، هنگام کنفرانس نمایندگان

در حالیکه شامیر نخست‌وزیر اسرائیل ظاهراً قول مساعد برای شرکت در کنفرانس صلح به جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا داده است، و در حالیکه رهبران فلسطینی‌ها بر حضور ساکنان عرب بیت‌المقدس شرقی در کنفرانس و دعوت رسمی از سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) برای شرکت در کنفرانس پافشاری می‌کنند، دولت اسرائیل موافقت با طرح صلح آمریکا را به پنج شرط مورد هیات نمایندگی فلسطینی‌ها منوط کرده است: ۱- اعضای هیات نباید اهل شرق بیت‌المقدس باشند. ۲- اعضای هیات نباید عضو ساف

شوروی پیمان اتحاد آماده امضاء شد

تعلیق در آورد تا کمیته قانون اساسی، بررسی مطابقت فرمان با قانون اساسی را به پایان رساند. الکسیف گفت کمیته باید بررسی کند که فرمان رئیس‌جمهور روسیه نقض حقوق بشر است یا نه.

شب چهارشنبه ۳۱ ژوئیه طی حمله‌ای به یک پاسگاه مرزی جمهوری لیتوانی هفت مأمور وزارت کشور این جمهوری کشته و یک تن مجروح شد. بدنبال این حادثه، ویتاوتاس لاندس برگیس رئیس جمهوری لیتوانی خواهان تحقیق بین‌المللی پیرامون این واقعه شد. وی در انتقاد از سیاست آمریکا در قبال جمهوری‌های بالتیک گفت: "ایالات متحده چشمان خود را بسته است و از اتحاد شوروی قاطعانه نمی‌خواهد که کسانی را که مسئول قتل‌های ماه ژانویه لیتوانی و لتونی‌اند، مجازات کند."

به گزارش رادیو لیتوانی، هنوز هیچ نشانه‌ای در دست نیست که ردپایی از عاملان حادثه هفته گذشته بدست دهد. میخائیل گارباجف از حادثه هفته گذشته ابراز تاسف کرد و اعلام نمود این واقعه مورد تحقیق قرار خواهد گرفت.

در انجمن بمبی در یک قطار در مسیر مسکو - باکو حداقل ۱۵ تن کشته و همین تعداد مجروح شدند. وزارت اطلاعات آذربایجان این ظن را ابراز کرد که شورشیان ارمنی عامل این حمله تروریستی‌اند. از آغاز سال جاری میلادی تاکنون خطر راه‌آهن مسکو - باکو سه بار هدف بمب‌گذاری قرار گرفته است.

گزینش گارباجف به رهبری حزب کمونیست در ماه مارس ۱۹۸۵ تاکنون در زمره نزدیک‌ترین مشاوران وی بود، روز ۲۷ ژوئیه استعفای خود را از عضویت در شورای ریاست جمهوری شوروی اعلام کرد. یاکولف برخلاف گارباجف از فرمان یلتسین مبنی بر منع فعالیت گروه‌های حزبی در کارخانه‌ها و ادارات طرفداری کرده بود. الکساندر یاکولف وابسته به گروهی از سیاستمداران شوروی به رهبری ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه پیشین است که اوایل ماه ژوئن تصمیم به تاسیس حزب جدیدی بنام "حزب متحد دموکراتیک" گرفتند.

یاکولف استعفای خود را در تلویزیون روسیه اعلام کرد. وی دلیلی برای کناره‌گیری خود ذکر نکرد. یاکولف که سال گذشته از عضویت در دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی کناره گرفت، به گفته خودش مشغول بررسی استعفا از عضویت در حزب است. وی در مصاحبه با تلویزیون روسیه گفت آنچه مهم است، قبل از کناره‌گرفتن یا ماندن در حزب کمونیست، "مبارزه قاطع با کسانی است که مسئول برپا کردن بازداشتگاه‌های دهه ۳۰ و سرکوب در اتحاد شوروی‌اند." یاکولف افزود اصطلاحات آن زمان مانند "دشمن نظام" و "خائن"، امروز باریک‌تر به کار می‌رود.

کمیته قانون اساسی شوروی که اعضای آن منتخب پارلمان‌اند، روز ۲۷ ژوئیه اعلام کرد اقدام به بررسی فرمان یلتسین خواهد کرد. سرگئی الکسیف رئیس این کمیته از یلتسین خواست فرمان خود را که قرار است از ششم اوت به اجرا گذاشته شود به حالت

قرارداد جدید اتحاد میان جمهوری‌های شوروی آماده امضاء شد. روز ۳۱ ژوئیه یک سخنگوی باریس یلتسین رئیس‌جمهوری روسیه در مسکو گفت با توافق پیرامون نظام مالیاتی آینده، آخرین نکته مورد اختلاف میان جمهوری‌ها و مرکز حل شده است. به گفته این سخنگو، روز ۲۹ ژوئیه طی مذاکراتی چندساعته میان میخائیل گارباجف، باریس یلتسین و نورسلطان نظری بایف رئیس جمهوری کازاخستان راه حلی برای این مسئله پیدا شد. سخنگوی یلتسین افزود: "از جانب فدراسیون روسیه، در مقابل امضای قرارداد اتحاد مانع دیگری وجود ندارد." وی اظهار داشت در آینده برای "اتحاد جمهوری‌های مستقل شوروی" که نام جدید اتحاد شوروی خواهد بود، یک نظام مالیاتی "تک کانالی" در نظر گرفته می‌شود. در این نظام، تنها جمهوری‌های تلمرو خود مالیات می‌گیرند و درصد ثابتی را به دولت مرکزی مسکو می‌دهند.

یلتسین در صدد است هلیرفم مخالفت گارباجف، انحلال هسته‌های حزبی در موسسات اقتصادی و ادارات جمهوری روسیه را به کرسی بنشاند. به گزارش خبرگزاری روسیه، یلتسین به گارباجف هشدار داد که "حتی دست هم به فرمان انحلال گروه‌های حزبی موسسات نزنند."

بدنبال صدور این فرمان از سوی یلتسین، گارباجف اعلام کرده بود "با همه تدابیر قانونی، تاحد فرمان ریاست جمهوری" علیه این فرمان یلتسین مبارزه خواهد کرد. الکساندر یاکولف یکی از معماران سیاست "گلاسنوست" (هلنیت) در شوروی که از هنگام

آفریقای جنوبی: جابجایی وزرا

فردریک دکلرک رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی در تلاش برای خنثی کردن هوادار سوابی کمک مالی دولت به حزب اینکاتا (موسوم به ماجرای اینکاتا گیت)، وزرای کابینه خود را جابجا کرد. آدریان فلوک که تا به حال وزارت "قانون و نظم" را برعهده داشت، از این پس تنها سرپرستی وزارتخانه جدید امور زندان‌ها را برعهده خواهد داشت. ماگنوس ملان وزیر پیشین دفاع به وزارت امور مسکن، آب و جنگل‌ها منصوب شد. این خبر را دکلرک روز ۲۹ ژوئیه بدنبال نشستی با کارشناسان امور امنیتی اعلام کرد. دو وزیری که از سمت‌های قبلی خود برکنار شده‌اند، از مخالفان سیاست اصلاحات در آفریقای جنوبی محسوب

بقیم در صفحه ۳

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه ۳۲ مارک	۳۹ مارک
شش ماهه ۶۲ مارک	۷۶ مارک
یک ساله ۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانابنویسید):

<p>KAR Vol.3 No. 17 Wed 7 AUG 1991</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان نهادیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>حساب بانکی: M.ABD NR-35263011</p> <p>کدبانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>